

تحلیل جامعه‌شناختی کنشگری نخبگان قدرت در مجلس ششم و مجلس هفتم

و تأثیر آن بر دموکراتیزاسیون در ایران (۱۳۸۷-۱۳۷۹)

ایرج زارعی^۱؛ سیدمصطفی ابطحی^{۲*}؛ مجید توسلی رکن آبادی^۳

۱- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، دپارتمان علوم سیاسی و روابط بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

۲- عضو گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، دپارتمان علوم سیاسی و روابط بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

۳- عضو گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، دپارتمان علوم سیاسی و روابط بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

چکیده:

تحلیل کنشگری نخبگان دستگاه قانونگذاری، بخشی مهم از فرآیند موج چهارم دموکراتیزاسیون (۱۳۷۶) در ایران است. این پژوهش با روش ترکیبی تاریخی-تحلیلی و با اتکا به نظریه‌های «توسعه سیاسی» و «بحران‌های پنجگانه لوسین پای» و با بهره‌گیری از نرم‌افزار مکس کیودیا، مذاکرات مرتبط را تحلیل کیفی کرده است. کنشگران مجلس ششم با گفتمان «توسعه سیاسی و اصلاحات» و با تمرکز بر بحران‌های مشروعیت و مشارکت، قوانینی مانند «الحاق به کنوانسیون سیداو» و «اصلاح قانون مطبوعات» را پیگیری کردند که عمدتاً توسط نهادهای نظارتی متوقف شدند. در مقابل، کنشگران مجلس هفتم با گفتمان «اصولگرایی و ثبات امنیتی» و تمرکز بر بحران نفوذ، قوانینی مانند «تقویت نهادهای امنیتی» و «محدودیت فعالیت احزاب» را تصویب نمودند. نتیجه تقابل گفتمان‌های هژمون دو مجلس، گذار به دموکراسی در این مقطع را به یک فرآیند دیالکتیکی و غیرخطی تبدیل و آن را متوقف کرد. تفاهم نخبگان گفتمان‌های رقیب در سطح بالای قدرت همچنان شرط ضروری گذار دموکراتیک به شیوه مسالمت آمیز در ایران است. گذار جامعه محور به دلیل وجود موانع ساختاری در برابر سازمان‌یابی نیروهای جامعه مدنی، قرین موفقیت نیست. گذار جامعه محور سامان نیافته، ایجاد فضای تقابل را موجه می‌کند و منجر به بسیج توانمندی نهادینه شده نیروهای مانع گذار و انسجام نخبگان ایدئولوژیک می‌شود.

کلمات کلیدی: توسعه سیاسی، مجلس ششم، مجلس هفتم، کنشگران سیاسی، گذار به دموکراسی، گذار دموکراتیک، تحلیل محتوا

مقدمه و بیان مسئله پژوهش

گذار به دموکراسی به عنوان یکی از پیچیده‌ترین فرآیندهای سیاسی در جوامع در حال توسعه، همواره در کانون توجه پژوهشگران علوم سیاسی بوده است. در ایران هنوز مرحله تثبیت دموکراسی تحقق پیدا نکرده است. (ساعی ۱۳۹۷، ۸۱) منظور ما از دموکراتیزاسیون فرآیند تغییرات سیاسی در جهت دموکراتیک سازی رژیم اقتدارگراست (ساعی ۱۳۹۷، ۱۲). این اصطلاح اولین بار در سال ۱۸۸۸ توسط جیمز برایت استفاده شد. (طاهایی، ۱۳۸۸) «موج دموکراتیزاسیون» دسته ای از تغییرات، از رژیم های غیر دموکراتیک به رژیم های دموکراتیک است که در یک بازه زمانی مشخص رخ می دهد و در آن بازه، تغییرات به طور قابل توجهی از مخالفت های روبروی آن قوی تر است (هانتینگتون، ۱۹۹۱: ۱۵) در این میان، نقش کنشگران سیاسی در نهادهای قانون گذاری به عنوان بازیگران کلیدی گذار، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. رویکرد گذار یا همانطور که گاهی اوقات از آن به عنوان «نمابندگی» یاد می شود رویکردی است که ایجاد دموکراسی را توسط بازیگران آگاه و متعهد می داند به شرطی که آنها تا حدودی شانس داشته باشند و یا تمایل به خطر افتادن نشان دهند (گروگل، ۲۰۰۲: ۵۶) تحولات سیاسی ایران پس از سال ۱۳۷۶، بستر مناسبی را برای مطالعه گذار به دموکراسی کنشگرمحور () فراهم آورده است. از جنبه نظری انتظار این است مجلس شورای اسلامی به عنوان عالی ترین نهاد تقنینی، بستری برای تحقق توسعه سیاسی و بالتبع گذار دموکراتیک از طریق تصویب قوانین تسهیل کننده توسط نخبگان در گذار باشد. دو دوره مجلس ششم و هفتم به دلیل فضای گفتمانی متضاد و تقابل آشکار گفتمان های سیاسی، نمونه ای ایده آل برای بررسی موضوع به عنوان بخشی از کنش سیاسی نخبگان قدرت، در موج چهارم دموکراتیزاسیون است. مساله این است که مجلس، به عنوان نهاد قانون گذاری، می بایست عرصه ای برای گفت و گو، چانه زنی و نهایتا شکل گیری اجماع نخبگانی برای گذار مسالمت آمیز باشد. اما این اجماع نخبگانی شکل نگرفت. شاهد مدعا این است که مجلس ششم (اصلاح طلب) و مجلس هفتم (اصول گرا) با اتخاذ استراتژی های تقنینی تقابلی، به جای همکاری در راستای گذار به دموکراسی، به عرصه ای برای حذف رقیب و تشدید شکاف نخبگانی تبدیل شدند.

پیشینه نظری پژوهش

این پژوهش بر سه بنیان نظری استوار است.

نظریه توسعه سیاسی لوسین پای (۱۹۶۶) که توسعه سیاسی را فرآیندی می داند که طی آن یک نظام سیاسی از بحران های پنج گانه هویت، مشروعیت، مشارکت، نفوذ و توزیع عبور می کند. این چارچوب، لنز تحلیلی اصلی برای بررسی رویکردهای مجلس است.

نظریه گذار دموکراتیک اودانل و اشمیتز (۱۹۸۶) که بر نقش تعیین کننده چانه زنی نخبگان و تصمیمات استراتژیک آنان در دوران گذار تأکید می کند. در این نظریه گذار به دموکراسی بر این فرضیه استوار است که «تصمیمات نخبگان» در شرایط گذار () نقش حیاتی دارند. در این الگو، نخبگان به چهار دسته نخبگان حاکم سخت گیر ()، نخبگان حاکم نرم خو ()، نخبگان اپوزیسیون میانه رو و نخبگان اپوزیسیون رادیکال تقسیم می شوند.

نظریه گفتمان لاکلاو و موفه (۱۹۸۵) در این نظریه گفتمان‌ها، امری سیاسی و هژمونیک است بنا بر این بی طرف نیستند در تقابل با یکدیگرند و برای مسلط شدن مبارزه می کنند. نظریه بر مجموعه‌ای از مفاهیم کلیدی استوار است که بر گفتمان به عنوان چارچوبی که واقعیت اجتماعی را می‌سازد و معنادار می‌کند، تمرکز دارد. در این نظریه گفتمان تنها شامل زبان نیست، بلکه هرگونه عمل معنادار اجتماعی را در بر می‌گیرد که هویت‌ها (خود در برابر دیگری) و روابط را می‌سازد. قدرت عناصر معنایی را در گفتمان پیوند و مفصل‌بندی می‌کند. دال مرکزی مفهوم یا آرمانی کلیدی است که کل گفتمان حول آن سازمان می‌یابد. و دال‌های شناور، دال‌هایی است که معنای آنها بین گفتمان‌های رقیب در نوسان است. مفصل‌بندی، فرآیند اصلی سازنده گفتمان و به معنای اتصال و پیوند دادن دال‌های مختلف است. گفتمان برای تثبیت خود، نیاز به غیریت سازی یا ترسیم مرز بین "ما" و "آنها" دارد و هیچ گفتمانی بدون تعریف یک "دیگری" یا "دشمن" شکل نمی‌گیرد. در این نظریه وقتی دال‌های مختلف در تقابل با یک دشمن مشترک، با هم متحد می‌شوند زنجیره هم ارزی و وقتی تلاش برای تمایز قائل شدن بین عناصر درون گفتمان خودی با دیگری است زنجیره تفاوت را شکل می‌دهد از نظر لاکلاو و موفه، جامعه و هویت‌ها فاقد یک ذات ثابت هستند و همواره از طریق منازعه گفتمانی و عمل قدرت هژمونیک در حال ساخته شدن و تغییر هستند (میرزائی و خوراسگانی ۱۳۹۴). این نظریه برای تحلیل گفتمان‌های رقیب در فضای سیاسی مجلس مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این مقاله مصوبات مجلس یک «واقعیت گفتمانی» است. بر این اساس هر مصوبه مجلس، تنها یک متن حقوقی نیست، بلکه صحنه نبرد گفتمانی است. هدف در تحلیل، شناسایی گفتمانی است که در یک دوره خاص، موفق شده معنای مورد نظر خود را در قالب قانون تثبیت کند.

پیشینه تجربی پژوهش

رویارویی اصلاح طلبان و اصولگرایان در «موج چهارم دموکراتیزاسیون» از جنبه‌های مختلفی مطالعه شده است. از منظر نقش گفتمان‌های پس از انقلاب در توسعه سیاسی معصومه محمدی و دیگران (۱۴۰۳) در مقاله «توسعه سیاسی در ایران بعد از انقلاب اسلامی در پرتو دو گفتمان ایرانی_اسلامی و مدرن» معتقدند توسعه سیاسی به دلایلی چون ایده آل‌ها و ارمان‌ها و مبانی اندیشه‌ای و کارکردهای متفاوت نتوانسته است هماهنگی معنا دار، مستمر و عمیقی در فرآیند توسعه سیاسی رقم بزند. هم چنین میرابراهیم صدیق و دیگران (۱۳۹۸) در مقاله «مقایسه تطبیقی دال‌های گفتمان اصلاح طلبی و اصولگرایی در مجلس ششم و هفتم» آورده گفتمان اصلاح طلبی به مثابه «جنبش جامعه مدنی» است و استدلال می‌کنند که گفتمان اصلاح طلبی در مجلس ششم، حول محورهایی مانند «حقوق شهروندی»، «جامعه مدنی»، «حاکمیت قانون» و «نقد قدرت» شکل گرفته بود. این گفتمان، خود را نماینده یک «جنبش اجتماعی» می‌دانست که خواستار تغییر از پایین و از طریق نهادهای قانونی بود. به نحوی که «مجلس ششم را می‌توان صحنه تقابل دو خوانش از جمهوری اسلامی دانست: خوانش توسعه‌گرا و مردم‌سالار اصلاح طلبان در مقابل خوانش امنیتی-ایدئولوژیک نهادهای سنتی.» این مطالعه عمدتاً به تحلیل گفتمان بدون توجه به مصوبات عینی پرداخته است.

از منظر تعامل نخبگان، آخراالدینی (۱۳۸۱) معتقد است مجلس ششم استراتژی تقابل مانند تحصن و نطق های علنی را برگزیده بودند. تحصن ۱۲۴ نماینده در خرداد ۱۳۸۱ و اعتراض به رد صلاحیت های گسترده توسط شورای نگهبان را نماد عینی بن بست سیاسی و ناتوانی مجلس در پیشبرد برنامه های اصلاحی می داند. این اقدامات، یک استراتژی کنش اعتراضی درون حکومتی بود. «تحصن نمایندگان مجلس، نشان دهنده بروز یک الگوی جدید از منازعه سیاسی در درون نظام بود؛ الگویی که در آن، یک نهاد منتخب، مشروعیت نهادهای غیرانتخابی را به چالش می کشید.»

از منظر مدیریت گذار می توان گفت که سبک رهبری رئیس مجلس ششم، که مبتنی بر «سازش ناپذیری» و «صدای بلند» در مقابل نهادهای نظارتی بود، به تشدید منازعات دامن زد. مجلس به یک «تربون سیاسی» علیه نهادهای انتصابی حاکمیتی تبدیل شده بود و از یک نهاد قانونگذاری صرف به یک عرصه عمومی برای بیان اعتراضات سیاسی تبدیل شده بود. هسته اصلی گذار دموکراتیک منازعه سیاسی نخبگان است (ساعی، ۱۳۹۷، ص ۴۹ و قاضی مرادی، ۱۴۰۰، ص ۱۴۸) این وضعیت تضاد در برهه مجلس ششم به وضوح وجود داشت. مجلس ششم در این پژوهش ها به عنوان «اوج کشمکش درون حکومتی و عروج گفتمان دموکراتیک» و کشمکش گفتمان «اصلاح طلبی» با گفتمان مسلط «سنت گرایی» در ساختار جمهوری اسلامی تحلیل می شود که نهایتا به دلیل عدم انعطاف ساختارهای قدرت، به بن بست رسید. (رمضانی و دیگران، ۱۴۰۰)

در مجلس هفتم از منظر گفتمانی بشیریه (۱۳۸۷) گفتمان اصولگرایی را به مثابه «بازگشت به خویشتن انقلابی» می داند و استدلال می کند که گفتمان مسلط در مجلس هفتم، یک گفتمان «هویتی» بود که بر مفاهیمی مانند «عزت اسلامی»، «استکبارستیزی»، «اقتصاد مقاومتی» و «مبارزه با نفوذ فرهنگی غرب» تأکید داشت. این گفتمان، در تقابل کامل با اصلاح طلبان به عنوان گفتمان «غرب زده» خود را تعریف می کرد. وی آورده است «اصولگرایان در مجلس هفتم، نه تنها به دنبال خنثی کردن پروژه اصلاحات بودند، بلکه در پی اجرای یک پروژه هویتی - فرهنگی برای بازتعریف جامعه بر اساس الگوی اسلامی - انقلابی بودند.» (حقیقی و کولیایی، ۱۳۹۶)

گفتمان دوم خرداد اصولگرایان را از ابتدا مخالف با آزادی بیان و خشونت طلب می دانست و همین سطره آنان را هژمونیک کرد. البته روزنامه های پرتیراژ آنان که با وزارت عطاء الله مهاجرانی رشد کرده بود در پیروزی آنان سهمیم بودند. شکست ساختار هژمونیک و سلطه روند پیشروی این گفتمان را دو اتفاق متوقف ساخت. استیضاح مهاجرانی و تصویب طرح اصلاح قانون مطبوعات که کاهش اختیارات هیئت منصفه را در پی داشت (عظیمی دولت آبادی، ۱۳۸۷، ص ۲۰۳).

از منظر تعامل نخبگانی، اصولگرایان نیز استراتژی تقابل را برگزیده بودند که تجلی آن در نظارت استصوابی و مهندسی انتخابات بود. به نظر پیروزی اصولگرایان در مجلس هفتم، مرهون اجرای سخت گیرانه تر «نظارت استصوابی» توسط شورای نگهبان بود که منجر به حذف گسترده رقبای اصلاح طلب شد. نقش «مهندسی سیاسی» پیش از انتخابات برای تشکیل مجلسی همسو را نیز نمی توان نادیده گرفت. برخی براین عقیده اند که تشکیل مجلس هفتم، محصول

یک تغییر در ترکیب رقبای انتخاباتی بود، نه یک تغییر در آرای عمومی. این امر، نقطه عطفی در تثبیت نظارت استصوابی به عنوان یک ابزار کارآمد برای کنترل سیاسی بود. اما برخی نیز معتقدند چرخش کامل قدرت از یک جناح به جناح دیگر و تغییر پارادایم حاکم بر فضای سیاسی کشور بود. (صاحب نیوز، ۱۳۹۴) گذار از مجلس ششم به هفتم، تنها یک تغییر در ترکیب نمایندگان نبود، بلکه نشان‌دهنده یک تغییر گفتمانی بزرگ از «اصلاحات و توسعه سیاسی» به «اصولگرایی و بازگشت به ارزش‌های بنیادین» بود که تأثیر عمیقی بر تحولات بعدی ایران گذاشت. (اخوان کاظمی، ۱۳۹۱)

مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۸۸) در پژوهش «بررسی عملکرد مجلس هفتم» که فاقد چارچوب نظری قوی است، مجلس هفتم را نقطه عطفی برای بازگشت گفتمان اصولگرایی و تثبیت هژمونی جدید در فضای سیاسی ایران می‌داند و آورده است «مجلس هفتم با انسجام گفتمانی بالا، نقش یک پشتوانه قدرتمند برای تثبیت گفتمان تهاجمی در سیاست خارجی و مهار کردن خوانش عمل‌گرایانه ایفا نمود.

حقیقی و کولایی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «بررسی تحولات دوره ششم و هفتم مجلس شورای اسلامی» جناح اصولگرا با استفاده از ابزارهای نهادی مانند نظارت استصوابی به قدرت بازگشت و نقش مجلس را از یک نهاد منتقد به نهاد حامی دولت تغییر داد. پژوهش به تغییر نقش مجلس از یک نهاد «کنترل‌گر» و «انتقادی» نسبت به دولت، در دوره ششم، به یک نهاد «حامی» و «تأییدکننده» دولت اصولگرایی محمود احمدی‌نژاد، در دوره هفتم اشاره دارد. به ویژه در پرونده هسته‌ای، مجلس هفتم موضوعی تهاجمی‌تر از خود نشان می‌داد و فضای مذاکره را برای دولت تنگ می‌کرد.

مطالعات خارجی نیز نگاهی کلان‌نگر داشته و به کنش‌های خاص نمایندگان پرداخته‌اند (رنجبر، ۲۰۱۸) برخی که جنبش اصلاح طلبی را بررسی کرده‌اند و به تحلیل ریشه‌ها، ماهیت، محدودیت‌ها و آینده جنبش اصلاح طلبی در درون نظام جمهوری اسلامی ایران پرداخته‌اند تنها به این اکتفا کرده‌اند که جنبش اصلاحات را نه به عنوان یک پدیده غربی-سکولار، بلکه به عنوان یک جریان فکری و سیاسی درون‌زا و برآمده از بافت اسلامی-ایرانی می‌نگرد (شیرین هانتر، ۲۰۰۹). اما برخی با بررسی گزارش‌های مجلس و دولت، و منابع ثانویه نشان می‌دهند که حتی ساختار بخشی فرآیند خصوصی سازی که امری اقتصادی است منبث از تعارضات نخبگان قدرت است. (کوان هریس، ۲۰۱۳)

بررسی نگارنده در یافتن مطالعات مصداقی که تأثیر کنش نخبگانی بر روی قوانین را مطالعه کرده باشند قرین موفقیت نبود.

در خصوص اهمیت پژوهش و خلاء مطالعاتی می‌توان گفت اهمیت این پژوهش در تحلیل دقیق و تطبیقی خروجی عینی کنش نخبگان (یعنی قوانین مصوب و دستور جلسات) است که کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بیشتر

تحقیقات بر بیانیه‌ها و نطق‌ها متمرکز بوده‌اند، این مقاله، با استخراج داده‌های عینی از اسناد تقنینی، به دنبال تبیین چرایی بن‌بست سیاسی آن دوران از منظر ناهماهنگی و تقابل استراتژیک نخبگان پارلمانی است. بنا بر این، شکاف و خلأ پژوهشی این است که با وجود مطالعات متعدد، پژوهشی که به صورت سیستماتیک و با روش تحلیل محتوای کیفی-کمیه بررسی مصوبات و مذاکرات این دو دوره با تمرکز بر نظریه توسعه سیاسی لوسین پای پرداخته باشد، مشاهده نمی‌شود.

دستگاه نظری و مدل مفهومی پژوهش

این پژوهش از یک چارچوب نظری دولایه استفاده می‌کند تا پیچیدگی‌های گذار دموکراتیک در ایران را پوشش دهد: لایه سنجش (توسعه سیاسی) و لایه تبیین (کنش نخبگان).

۱- لایه سنجش: برای عملیاتی‌سازی مفهوم انتزاعی «گذار به دموکراسی» در فضای تقنینی، از نظریه بحران‌های پنج‌گانه لوسین پای به عنوان لنز تحلیلی و معیار اصلی برای سنجش جهت‌گیری مصوبات استفاده می‌شود.

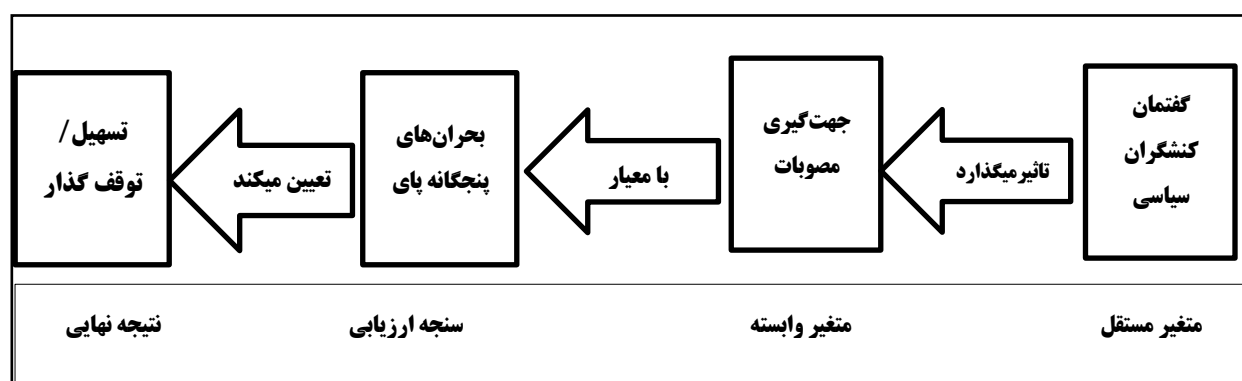
۲- لایه تبیین: برای تحلیل علل شکست یا موفقیت کنش‌های تقنینی، از نظریه گذار دموکراتیک اودنل و اشمیتر بهره گرفته می‌شود. این نظریه بر نقش چانه‌زنی و تصمیمات استراتژیک نخبگان در شرایط گذار تأکید دارد و تبیین می‌کند که چگونه همسویی یا تقابل با نهادهای فرادستی می‌تواند مسیر گذار را از خطی به دیالکتیکی و غیرخطی تبدیل کند. به منظور عملیاتی‌سازی مفهوم انتزاعی «گذار به دموکراسی» در فضای تقنینی ایران، کد گذاری مفاهیم توسعه سیاسی در چهار محور عینی برای تبیین گذار سیاسی صورت گرفته است. کنشگران پارلمانی، هرگاه بر قوانینی در این چهار حوزه تمرکز کنند، در مسیر گذار تسهیل‌کننده (پیش‌برنده) و یا تثبیت (بازدارنده) عمل کرده‌اند

محور اول کد ساختارهای بنیادین قدرت؛ مشتمل بر مصوبات مربوط به قانون اساسی، تفکیک قوا، حدود اختیارات رهبری، رئیس‌جمهور، مجلس و نهادهای انتصابی. محور دوم کد فرایندهای اعمال قدرت: مشتمل بر مصوبات مربوط به قانون انتخابات، احزاب، حقوق و آزادی‌های سیاسی، مطبوعات، تجمعات و مشارکت عمومی. محور سوم، کد سیستم‌های کنترل و نظارت: مشتمل بر مصوبات مربوط به تقویت نظارت مجلس بر سایر قوا، پاسخگویی مسئولین، شفافیت مالی و مبارزه با فساد. محور چهارم، کد توزیع منابع و توسعه عدالت: مشتمل بر اهداف و نتایج مصوبات مربوط به قوانین فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی که با ارزش‌های دموکراتیک (مانند عدالت اجتماعی، توزیع قدرت) هم‌خوانی دارند.

مدل مفهومی پژوهش

مدل مفهومی به صورت زنجیره‌وار نشان می‌دهد که گفتمان‌های سیاسی مختلف (علت)، منجر به سیاست‌های تقنینی متفاوت (معلول اولیه) می‌شوند. این سیاست‌های تقنینی را می‌توان با معیارهای توسعه سیاسی (بحران‌های پنجگانه)

سنجید و در نهایت، تأثیر نهایی آن‌ها بر مسیر کلان نظام سیاسی (تسهیل یا توقف گذار) را ارزیابی کرد. این مدل، چارچوبی مناسب برای درک «چگونگی» و «چرایی» تأثیر کنشگران مجلس بر دموکراتیزاسیون در ایران ارائه می‌دهد. این مدل مفهومی، یک چارچوب علی-رابطه‌ای را ترسیم می‌کند که چگونگی تأثیر کنشگران سیاسی بر روند گذار به دموکراسی از طریق مجلس را نشان می‌دهد. نمایه زیر این مدل را که از چهار جزء اصلی تشکیل شده نمایش داده است:



در این مدل، گفتمان کنشگران سیاسی به عنوان متغیر مستقل، نقطه آغاز و محرک اصلی است. جهت‌گیری مصوبات به عنوان متغیر واسطه تعریف شده است و نشان می‌دهد که گفتمان مسلط چگونه در عرصه عمل تقنینی متجلی می‌شود. جهت‌گیری مصوبات، خروجی ملموس و قابل سنجش گفتمان حاکم بر مجلس (توسعه‌خواه/انقباضی) است.

سازوکار ارزیابی، سنجه بحران‌های پنج‌گانه پای است این جزء مدل، معیار یا لنز تحلیلی برای سنجش و ارزیابی متغیر وابسته (مصوبات توسعه سیاسی) فراهم می‌کند. نظریه لوسین پای ابزاری مفهومی است تا محتوای مذاکرات در چارچوبی نظام‌مند طبقه‌بندی و تحلیل شود. تسهیل یا توقف گذار به دموکراسی نتیجه نهایی است که از مدل بدست می‌آید. این بخش، پیامد نهایی کل این فرآیند را نشان می‌دهد. نتیجه بستگی به این دارد که جهت‌گیری مصوبات و بحران‌هایی که هدف قرار داده‌اند، آیا باعث گشایش فضای سیاسی می‌شوند یا آن را محدود می‌کنند (توسعه‌خواه/انقباضی).

سؤالات و فرضیه های پژوهش:

پرسش کانونی این است که «جنبه های تقابلی استراتژی‌های تقنینی مجلس ششم و هفتم برای تأثیر بر کنش‌گری نخبگان سیاسی در فرایند گذار به دموکراسی چه بوده و این تضاد چگونه به شکست در شکل‌گیری اجماع نخبگانی

و پیمان دموکراتیک (۱) انجامید؟» به عبارت دیگر «کنشگران سیاسی در مجلس ششم و هفتم شورای اسلامی چگونه و با چه مکانیزمی بر روند گذار به دموکراسی تأثیر گذاشته‌اند؟»

سؤال فرعی: چه عواملی باعث موفقیت یا شکست کنشگران در پیشبرد قوانین توسعه‌خواه شده است؟
فرضیه اصلی: گفتمان مسلط کنشگران سیاسی در مجلس ششم و هفتم، با اولویت‌دهی به بحران‌های متفاوت توسعه سیاسی، جهت‌گیری متفاوتی در مصوبات تقنینی را ایجاد کرده و بر روند گذار به دموکراسی در ایران تأثیر گذاشته است.

فرضیه فرعی: همسویی یا تقابل گفتمان مسلط با نهادهای نظارتی، عامل تعیین‌کننده در نتیجه‌نهایی بوده و گذار را به فرآیندی غیرخطی و دیالکتیکی تبدیل کرده است.

تعاریف مفاهیم بنیادین پژوهش

گذار دموکراتیک: انتقال از حکومت غیردموکراتیک به یک حکومت دموکراتیک است که از آن به عنوان «فرآیند گذار به دموکراسی» یاد می‌شود (Huntington, ۱۹۹۱, ۱۲) (ساعی، ۱۳۹۷، ص ۱۳). فرآیندی که در آن قوانین و نهادهای سیاسی به سمت افزایش مشارکت مردمی، پاسخگویی حکومت و رعایت حقوق بشر که شاخص‌های وضعیت دموکراتیک است حرکت می‌کنند. در این پژوهش، تصویب قوانین مرتبط با شاخص‌های توسعه سیاسی، شاخص عملیاتی گذار است.

کنشگر سیاسی: نمایندگان مجلس، رؤسای فراکسیون‌ها و کنشگران کلیدی که گفتمان مسلط در مجلس را شکل می‌دهند. نخبگان از طریق ابزارهای تقنینی، قواعد بازی سیاسی را تغییر داده یا تثبیت کنند. انتخاب اولویت‌های تقنینی (سیاسی در برابر اقتصادی/اجتماعی) یک کنش استراتژیک است.

گفتمان: گفتمان انسداد مفاهیم در شاکله‌ای زبانی با هدف برساخت فضایی رادیکال، سیاسی و مبتنی بر آنتاگونیسم به وجود می‌آید و به وسیله زبان و توانایی آن در قطبی کردن ذهنیت سوژه‌ها برای رسیدن به قدرت یا حفظ منافع وارد عمل می‌شود. (میرزائی و خوراسگانی ۱۳۹۴). بنا بر این مجموعه به هم پیوسته‌ای از ایده‌ها، مفاهیم و مقوله‌ها که سیاست‌های عمومی را معنادار می‌کنند (مانند گفتمان «اصلاحات» در مقابل گفتمان «اصولگرایی»). در اینجا به معنای سیستم معناسازی است که کنشگران (نمایندگان مجلس، رؤسای فراکسیون‌ها) از طریق آن، جهان سیاسی را درک و تفسیر می‌کنند و اولویت‌های قانون‌گذاری خود را تعریف می‌کنند.

بحران: بحران پدیده‌ای است که کارآمدی یک نظام را با چالش روبرو می‌سازد. بر اساس نظریه گذار، نخبگان گسیخته در صورت وجود سایر شرایط اگر با وضعیت بحران مواجه شوند پیمان دموکراتیک را شکل خواهند داد. در این پژوهش بحران، هر رویداد جدی، مهم و عمده‌ای است که نیاز به حل فوری آن باشد (ساعی، ۱۳۹۲، ص ۹۲).
نخبگان قدرت: منظور؛ کنشگران سیاسی هستند که، بر ساختارها، فرایندها و رخدادها، تأثیر تعیین‌کننده دارند.
مصادق‌های آن؛ نخبگان سیاسی، نخبگان حاکم، کنشگران حزبی و نخبگان مذهبی هستند؛ که با اصطلاحاتی؛ نظیر «جناح چپ» و یا «جناح راست» و کمی بعدتر، «اصلاح‌طلبان» و «اصولگرایان» نیز، نام برده شده‌اند.

اقتدارگرایی: وضعیتی در نظام سیاسی است که، تفکیک قوا مخدوش شده؛ قانونگذار، مجری و قاضی از هم باز شناخته نمی شود (قاضی، ۱۳۶۸، ص ۳۷۵) و جنبه های تنبیهی اعمال قدرت (تسلیم)؛ بر جنبه های تشویقی و اطاعت مبتنی بر رضایت (اقتناع)، فزونی می یابد (گالبرایت، ۱۳۶۶، ص ۶۵).

پیمان دموکراتیک: دموکراسی نظام خاصی برای مصالحه و فیصله بخشیدن به نزاع های بین گروهی و اجتماعی است. کشمکش میان گروههای سیاسی بر حسب قواعدی فیصله می یابد که از پیش اعلام شده و برای همه بازیگران شناخته شده اند (بشیریه ۱۳۸۷، ۳۴) بنا بر این به هر گونه پیمان یا قانون اساسی که میان نخبگان وضع شود و بر مبنای آن شیوه حکومت به صورت دموکراتیک باشد اطلاق می شود (ساعی ۱۳۹۲، ۹۲). یکی از دلالت های مصداقی پیمان دموکراتیک، قانون اساسی است که در آن شیوه توزیع قدرت، نحوه دستیابی به قدرت سیاسی، حقوق ملت یا شهروندان تعریف می شود و آزادی های سیاسی به رسمیت شناخته می شود. در اینجا چون قانون اساسی با برخی پتانسیلهای دموکراتیک وجد داشته، پایبندی به اجرای اصول قانون اساسی به عنوان تعریف عملیاتی در نظر گرفته شده است. برای ارائه معرف های قابل ارزیابی از این شاخص در مناسبات گروههای کنشگر، به نظریه های نخبه گرایی رجوع شده است.

با توجه به نظرات اندیشمندان، در کنش های نخبگان، شاخص پای بندی به پیمان دموکراتیک با معرف های؛ اتفاق نظر بر سر اجرای اصول قانون اساسی، عدم اقدام در آسیب زدن به رقیب و تعهد و پایبندی به تحقق حقوق سیاسی اجتماعی مصرح در قانون اساسی توافق شده، ارزیابی می شود.

روش پژوهش

روش پژوهش تاریخی - تحلیلی است. در تحلیل با رویکرد ترکیبی و از دو روش تحلیل کمیو کیفی استفاده می کند. تحلیل کمی، تعداد و نوع مصوبات و بررسی رسیدن به جامعه آماری در نرم افزار اکسل () انجام گرفته و در تحلیل گفتمان از نرم افزار تحلیل محتوا مکس کیو دیا () استفاده شده است.

جامعه آماری کلیه مصوبات و دستور جلسات علنی مجالس ششم (۱۳۷۹-۱۳۸۳) و هفتم (۱۳۸۳-۱۳۸۷) مرتبط با توسعه سیاسی است. این جامعه، کامل ترین و بی طرفانه ترین انعکاس از اراده و کنش نخبگان در مجلس است. واحد تحلیل هر قانون مصوب یا هر دستور جلسه رسمی در دو مجلس، به عنوان یک واحد مجزا به مثابه یک تصمیم استراتژیک کد گذاری شده است. در تحلیل اماری دستور جلسات مربوط به توسعه سیاسی در کدهای انتخابات و شوراها، آئین نامه داخلی، مطبوعات صدا و سیما و فضای مجازی، و سایر موارد مرتبط با شاخص های توسعه سیاسی کد بندی شد (جدول شماره ۳) در تحلیل کیفی با روش نمونه گیری هدفمند، تمامی مصوبات و مذاکرات مرتبط با «حقوق سیاسی»، «آزادی های مدنی»، «نقش نهادهای مدنی» و «امنیت ملی» انتخاب شدند. در تحلیل کمیاز تحلیل محتوای کمیسیستماتیک استفاده می شود تا مفاهیم کیفی (مرتبط با توسعه سیاسی) را به صورت عینی و کمیدر فرایند تقنینی مجلس اندازه گیری کند. منطق اصلی بر مقایسه فراوانی نسبی اقدامات تقنینی در چهار محور مذکور در توسعه سیاسی در دو دوره مجلس است. تفاوت معنادار در فراوانی، مستقیماً تفاوت استراتژی و کنش نخبگان را نشان می دهد. (نمودار ۱) این وضعیت را به تصویر کشده است.

شیوه تحلیل:

در اینجا با دو گونه داده، مصوبات و دستور جلسات مواجه ایم. برای رسیدن به حجم قابل قبول برای بررسی و مطالعه علمی ابتدا تمام مصوبات و دستور جلسات دو دوره مجلس با توجه به موضوعات کلان و محورهای چهارگانه که با پیش مطالعه مباحث و مصوبات بدست آمد، کدگذاری شد. (جدول شماره ۲) مشتمل بر موضوعات و تعداد آنها به تفکیک موضوع در هر دوره مجلس است.

از آنجا که گذار دموکراتیک مقوله‌ای در توسعه سیاسی است، مطالعه روش مند بر مصوبات مربوط به مباحث سیاسی محدود شد. در این حجم داده نیز موضوعات مختلف و متفاوت سیاسی وجود داشت که طبعاً با مقوله گذار و توسعه سیاسی هم خوانی نداشت. بنابراین با مراجعه به تعاریف توسعه سیاسی موضوعات مرتبط، احصاء، پالایش و کدگذاری شد. هر واحد تحلیل، صرفاً در یکی از چهار دسته پیش گفته یا در دسته «سایر» (غیرسیاسی) طبقه‌بندی شد. این چارچوب کدگذاری، امکان سنجش عینی میزان توجه کنشگران به ابعاد گذار دموکراتیک را فراهم می‌سازد. سنجش و تطبیق و مقایسه فراوانی قوانین و دستور جلسات کدگذاری شده در هر محور با استفاده از ابزارهای آمار توصیفی (نمودار و جدول) صورت گرفته است. هدف، اثبات فرضیه تفاوت استراتژیک در کنش‌نخبگان با استناد به شواهد کمی است.

منطق روش تحلیل

منطق اصلی تحلیل این است اگر مجلس، فراوانی نسبی بالاتر در محورهای ۱ و ۲ (ساختارهای قدرت و فرایندهای اعمال قدرت) داشته باشد، به معنای اتخاذ استراتژی گسترش دهنده (تغییر قواعد بازی) توسط کنشگران آن است. اگر مجلس، فراوانی نسبی پایین‌تر در محورهای ۱ و ۲ و تمرکز بیشتر بر محور ۴ (اقتصاد و نتایج) و «سایر» داشته باشد، به معنای اتخاذ استراتژی محدودکننده (تثبیت قواعد موجود) توسط کنشگران آن است. این تحلیل کمی، بستر را برای تحلیل کیفی شواهد عینی (رخدادها و نطق‌های مشخص) که در بخش یافته‌ها ارائه می‌شود، فراهم می‌کند. در جدول (۳) تعداد مصوبات و دستور جلسات مرتبط با شاخص‌های توسعه سیاسی در مجلس ششم و هفتم به تفکیک آمده است.

روش تحلیل محتوای کیفی

تحلیل کیفی در نرم افزار تحلیل محتوا صورت گرفت. داده‌ها برای تحلیل از درگاه‌های الکترونیکی مجلس شورای اسلامی، مرکز پژوهش‌های مجلس و نیز روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران اخذ شده است. فرآیند تحلیل داده‌ها در پنج گام انجام شد. کلیه اسناد متنی در نرم‌افزار بارگذاری شدند. کدهای اولیه (مانند مطبوعات_آزاد، اولویت_امنیت) از طریق خوانش و احصاء عناوین صورتجلسات و مصوبات ایجاد شد. سپس کدگذاری محوری با دسته‌بندی کدهای اولیه در پنج مقوله اصلی منطبق بر بحران‌های پای (مشارکت، مشروعیت، نفوذ، توزیع، هویت) انجام شد در کدگذاری هر مصوبه در هر دو مجلس بر اساس این که کدام یک از بحران‌های پنجگانه را هدف می‌گیرد، کدگذاری شد. در کد بحران مشارکت (مصوبات مربوط به حوزه انتخابات، احزاب، مطبوعات)، در کد

بحران مشروعیت (مصوبات مربوط به رابطه مردم و حکومت، نظارت استصوابی)، در کد بحران نفوذ (مصوبات مربوط به تقویت کننده حاکمیت و نهادهای امنیتی)، در کد بحران توزیع (مصوبات مربوط به توزیع قدرت یا ثروت)، در کد بحران هویت (مصوبات مربوط به تعریف «خود» در مقابل «دیگری») اختصاص یافت. در پایان تحلیل و مقایسه فراوانی کدها و روابط بین متغیرها انجام شد. و سرانجام هسته مدل با عنوان «تقابل گفتمانی در گذار» و ترسیم مدل نهایی شکل گرفت.

روایی (اعتبار) روش با استفاده از چارچوب نظری معتبر (پای) و نظر اساتید راهنما تأمین شده است. در پایایی و قابلیت اعتماد بودن فرایند با روش بازآزمون سنجیده شد. کدگذاری ۱۰٪ از داده‌ها با فاصله دو هفته تکرار و ضریب توافق کاپای کوهن ۰.۸۵ به دست آمد که نشان‌دهنده پایایی «عالی» است. از ۳۶ مورد عدم توافق شناسایی شده، با بازبینی، راهنمایی و مشورت اساتید و کدگذاری نهایتاً پایایی نهایی به ۹۲.۰ بهبود یافت.

یافته های پژوهش

پس از دوره‌ای از تحولات سیاسی و ایجاد فضای نسبتاً باز، «مجلس ششم» با اکثریت قاطع جناح اصلاح طلب شکل گرفت. گفتمان مسلط این مجلس، تمرکز بر «توسعه سیاسی، آزادی‌های مدنی و نقد نهادهای سنتی» بود. در مقابل، «مجلس هفتم» در دوره‌ای متأثر از فضای پسااصلاحات، با اکثریت جناح اصولگرا کار خود را آغاز کرد. گفتمان غالب این دوره، «اصولگرایی، تأکید بر ارزش‌های انقلابی و اولویت امنیت ملی» بود.

یافته‌های مربوط به مجلس ششم:

الف: یافته های کمی

مجلس ششم ۴۳۳ جلسه و ۴۰۰ مصوبه داشته است (جدول شماره ۳). اهتمام به شاخص‌های توسعه سیاسی در این دوره، با اختصاص ۱۶۹ دستور جلسه به این موضوع، بسیار بارز است. از این تعداد ۴۷ مورد یا ۲۸٪ به آئین نامه داخلی، ۴۳ مورد یا ۲۵٪ به انتخابات و شوراها، ۲۷ مورد یا ۱۶٪ به مطبوعات فضای مجازی و صدا و سیما، و ۵۲ مورد یا ۳۱٪ به سایر موضوعات شاخص‌های توسعه سیاسی تعلق داشته است. (جدول شماره ۳) تلاش‌های این مجلس به تصویب نهایی ۱۶ مصوبه در خصوص توسعه سیاسی منتهی شد. موفق شد ۹ درصد از دستور جلسات مرتبط با شاخص‌های توسعه سیاسی خود را به قانون تبدیل کند و سایر مصوبات در گلوگاه شورای نگهبان رد یا متوقف شد.

در این پژوهش کلیه قوانین (مصوبات) بررسی و در کدهای دهگانه جدول شماره (۲) دسته بندی و احصا شد.

__ کد ساختار دستگاه‌های حاکمیتی و تقسیمات کشوری ۲۶ مورد یا ۷٪ از مصوبات مجلس ششم را به خود اختصاص داده است.

__ کد رفاه عمومی، تامین اجتماعی، بهداشت و درمان ۲۴ مورد یا ۶٪ از مصوبات دوره را به خود اختصاص داده است.

__ کد اداری و استخدامی، حقوق ۴۱ مورد یا ۱۰/۳٪ از مصوبات دوره ششم را به خود اختصاص داده است.

__ کد برنامه، بودجه، درآمدها و هزینه‌های دولتی ۴۶ مورد یا ۱۱/۵ درصد از مصوبات را به خود اختصاص داده است.

__ کد همکاری‌های بین المللی دوجانبه ۱۳۹ مورد یا ۳۴/۸ درصد از مصوبات را به خود اختصاص دارد.

__ کد همکاری‌های بین المللی چند جانبه ۴۰ مورد یا ۱۰٪ از مصوبات دوره را به خود اختصاص داده است.

— کد امور بخش‌های مختلف اقتصادی ۳۷ مورد یا ۹/۳٪ از مصوبات را به خود اختصاص داده است.

— عمران شهری روستایی و محیط زیست ۱۰ مورد یا ۲/۵٪ از مصوبات مجلس ششم را به خود اختصاص داده است.

— کد مقررات عمومی، مدنی، جزایی ۲۱ مورد یا ۵/۳٪ از مصوبات دوره بوده است.

— مصوبات مربوط به شاخص‌های توسعه سیاسی این مصوبات با کد «حقوق شهروندی و مشارکت سیاسی و مجلس» کد گذاری و احصاء شد. تعداد ۱۶ مورد یا ۰/۴٪ از مصوبات دوره به مجلس ششم تعلق داشت.

از مجموع ۱۷ مصوبه تحت عنوان قانون مربوط به شاخص‌های توسعه سیاسی در مجلس ششم ۵ مورد به قانون انتخابات شوراهای و انتخاب شهرداران ۵ مورد به انتخابات مجلس و ریاست جمهوری، ۵ مورد به اصلاح آئین نامه داخلی مجلس و کمیسیون‌ها اختصاص دارد و ۲ مورد دیگر یکی قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حق شهروندی و دیگری مربوط به قانون هیات منصفه است (لیست مصوبات ۱)

مرور داده‌ها نشان می‌دهد که در خصوص اهتمام به تحقق شاخص‌های توسعه سیاسی تلاش مجلس ششم ۱۶ مصوبه یعنی ۴٪ از مصوبات دوره را به این موضوع اختصاص داده است. در حوزه‌های غیرسیاسی، همکاری‌های بین‌المللی دوجانبه با ۳۴٪، برنامه، بودجه، درآمدها و هزینه‌های دولتی با ۱۱٪، ۵٪ و اداری و استخدامی و حقوق با ۱۰٪، ۳٪، از فراوان‌ترین مصوبات مجلس ششم بوده‌اند.

ب: یافته‌های کیفی:

مجلس ششم در دوره‌ای از تحولات سیاسی ایران شکل گرفت که با ریاست جمهوری سید محمد خاتمی فضای نسبتاً بازتری به وجود آمده بود. اکثریت مجلس در اختیار جناح اصلاح طلب بود و گفت‌وگو غالب، تمرکز بر توسعه سیاسی، آزادی‌های مدنی و انتقاد از نهادهای سنتی داشت. منازعات و مواضع سیاسی در این مجلس بیشتر تقابلی و چالش برانگیز بود. مجلس ششم به ریاست مهدی کروبی، بارها با شورای نگهبان بر سر مصوبات و تأیید صلاحیت نامزدهای انتخاباتی درگیر شد.

در جلسات علنی مجلس ششم موضوع آزادی مطبوعات به طور مکرر مطرح شد. رئیس مجلس در نطق‌های خود در جلسه علنی (۱۳۷۹/۳/۱۵) بر باز بودن فضای مطبوعات برای شنیده شدن صدای مردم تأکید کرد. موضوع جامعه مدنی و نهادهای غیردولتی در جلسات متعددی از جمله در جلسه کمیسیون فرهنگی مجلس مورد بحث قرار گرفت. نمایندگان در جلسات مختلف از جمله (۱۳۷۹/۳/۳۰) بر ضرورت تقویت این نهادها برای مشارکت مردم تأکید کردند. مباحث مربوط به حقوق شهروندی در جلسه ۱۳۸۰/۴/۱۲ در صحن علنی مجلس مطرح شد. همچنین موضوع احزاب سیاسی و فضای باز برای فعالیت آنان در جلسه ۱۳۸۰/۵/۲۰ مورد بحث نمایندگان قرار گرفت. بحث‌های مربوط به نظارت استصوابی در جلسه ۱۳۸۰/۶/۵ در مجلس مطرح شد. مسئله شفافیت اطلاعات در جلسه ۱۳۸۰/۷/۱۵ در سخنرانی‌های نمایندگان مطرح شد. موضوع الحاق به کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان در جلسه ۱۳۸۱/۳/۳ در مجلس ششم تصویب شد اما با مخالفت شورای نگهبان در تاریخ ۱۳۸۲/۵/۲ مواجه گردید.

در سال ۱۳۸۱، مجلس لایحه‌ای برای افزایش اختیارات ریاست جمهوری در نظارت بر انتخابات تصویب کرد، اما شورای نگهبان آن را رد کرد. کروبی در سخنرانی خود گفت: «شورای نگهبان با تفسیرهای خود از قانون اساسی، راه هر گونه تغییر را می‌بندد» (روزنامه شرق، شماره ۲۵، ۲۲ خرداد ۱۳۸۱). برخورد با نهادهای امنیتی و قضایی نیز از

موضوعات چالش برانگیز بود. نمایندگان مجلس ششم به ویژه در پرونده قتل‌های زنجیره‌ای (قتل روشنفکران و منتقدان در دهه ۱۳۷۰) و بازداشت فعالان مطبوعاتی، با نهادهای قضایی و امنیتی بارها چالش و درگیری داشتند. عبدالله نوری، نماینده تهران، در نطق علنی خود اشاره کرد: «اگر نهادهای امنیتی و قضایی پاسخگو نباشند، مجلس حق دارد از اختیارات خود برای بررسی این پرونده‌ها استفاده کند» (مذاکرات مجلس ششم، جلسه ۲۱۵، ۱۲ آذر ۱۳۸۰). همچنین چالش بر سر اصلاح قانون مطبوعات از موضوعات مهم در مجلس ششم بود. این مجلس تلاش کرد تا قانون مطبوعات را به نفع آزادی بیان اصلاح کند، اما این اقدام با مخالفت شورای نگهبان و نهادهای قضایی مواجه شد. در جریان بررسی این لایحه، محمدرضا خاتمی، رئیس مجلس، گفت: «اگر مجلس نتواند از حقوق مردم دفاع کند، دیگر مشروعیتی ندارد» (روزنامه نوروز، شماره ۴۳، ۵ اسفند ۱۳۸۱).

مصادیق کنش و مواضع این مجلس به طور مستقیم تقابل گرا بود. موضوع آزادی مطبوعات به طور مکرر مطرح شد. از کنش‌های مهم در روزهای نخست، تلاش برای اصلاح قانون مطبوعات بود که تقابل با قوه قضائیه را رقم زد. نمایندگان در پرونده قتل‌های زنجیره‌ای و بازداشت فعالان مطبوعاتی، با نهادهای قضایی و امنیتی چالش داشتند. این مجلس به ریاست مهدی کروبی، بارها با شورای نگهبان بر سر مصوبات کلیدی مانند لایحه الحاق به کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان (سیداو) و تأیید صلاحیت‌ها درگیر شد. اوج این تلاش‌ها، طرح لایحه تبیین اختیارات و وظایف ریاست جمهوری (لوايح دوقلو) بود که کنشی مستقیم برای بازتعریف حدود اختیارات رئیس جمهور در برابر نهادهای انتصابی محسوب می‌شد. شواهد عینی کنش نخبگان، برای اصلاح بنیادین ساختار قدرت همین اقدام بود. کنش‌های نمایندگان در تقویت فرایندهای دموکراتیک در طرح «اصلاح قانون مطبوعات» در نخستین روزهای مجلس و تقابل با قوه قضائیه تبلور می‌یافت. همچنین، تلاش مکرر برای اصلاح قانون انتخابات به منظور حذف نظارت استصوابی و گسترش رقابت منجر به کنش‌نهایی و اعتراضی استعفای دسته جمعی نمایندگان مجلس ششم در دی ماه ۱۳۸۲، پس از رد صلاحیت‌های گسترده شد که این یک کنش نوعی اعتراض جمعی بود.

همچنین بحث‌های مربوط به نظارت استصوابی به صراحت مطرح شد. در نهایت، پس از رد صلاحیت‌های گسترده برای مجلس هفتم، کنش‌نهایی و اعتراضی نمایندگان استعفای دسته جمعی بود.

(جدول شماره ۴) که مستقیماً از خروجی ماژول نرم‌افزار تحلیل محتوا استخراج شده، توزیع کیفی بحران‌های پنجگانه پای را در مذاکرات نشان می‌دهد. این تحلیل کیفی، توسط داده‌های کمی (جدول شماره ۳) که روند کلان مصوبات را نشان می‌دهند نیز پشتیبانی می‌شود. جدول تحلیل محتوا (جدول شماره ۱) به وضوح نشان می‌دهد که مجلس ششم بر بحران مشارکت (۴۲٪) و مشروعیت (۲۲٪) که از مولفه‌های کلیدی گذار دموکراتیک هستند، تمرکز داشته است.

(جدول شماره ۴): نتایج تحلیل کیفی مذاکرات مجلس ششم در دستور جلسات مربوط به شاخص های توسعه سیاسی

مجلس ششم		دوره / فراوانی بحران محوری (پای)
درصد	فراوانی در مصوبات و مذاکرات	
۴۲٪	۲۴۷	مشارکت
۲۲٪	۱۲۸	مشروعیت
۱۶٪	۹۵	نفوذ
۱۵٪	۸۹	توزیع
۵٪	۳۱	هویت
۱۰۰٪	۵۹۰	جمع

در بررسی کدهای تحلیل محتوا، کد مشارکت_مردم (که مربوط به عباراتی مانند این سخن کروی که «مجلس ششم، مجلس عزت و اقتدار ملی و احیای حقوق ملت است») با ۲۴۷ بار تکرار، پرتکرارترین کد این دوره بود. بنابر این می توان ادعا کرد گفتمان مسلط در این دوره "اصلاح طلبی و توسعه سیاسی از پایین" بوده است. که به موارد شاخص آن اشاره می شود. مواردی (مانند لایحه پیوستن به سیداو)، عمدتاً در دسته «حقوق شهروندی و مشارکت سیاسی» قرار می گیرند. این لایحه الحاق با کدهای بحران_مشارکت و بحران_توزیع برجسب خورد در مجلس تصویب اما توسط شورای نگهبان رد شد. هم چنین طرح اصلاح قانون مطبوعات با کد آزادی_بیان و بحران_مشروعیت کد گذاری شد. در نهایت مسکوت ماند.

یافته های مربوط به مجلس هفتم:

الف: یافته های کمی

مجلس هفتم ۴۲۷ جلسه و ۳۵۰ مصوبه داشته است (جدول شماره ۳). دستور جلسات مرتبط با توسعه سیاسی در این دوره به ۹۵ مورد می رسد. از این تعداد ۱۷ مورد یا ۱۸٪ به آئین نامه داخلی، ۴۶ مورد یا ۴۸٪ به انتخابات و شوراها، ۹ مورد یا ۹٪ به مطبوعات فضای مجازی و صدا و سیما، و ۲۳ مورد یا ۲۴٪ به سایر موضوعات شاخص های توسعه سیاسی تعلق داشته است.

در بخش مصوبات (قانون) نیز وضعیت زیر برای مجلس هفتم قابل ذکر است که در کدهای زیر دسته بندی و احصاء شده است.

_ کد ساختار دستگاههای حاکمیتی و تقسیمات کشوری ۲۵ مورد یا ۷/۱٪ از مصوبات را به خود اختصاص داده است.

_ کد رفاه عمومی، تامین اجتماعی، بهداشت و درمان ۲۶ مورد یا ۷/۴٪ را به خود اختصاص داده است.

_ کد اداری و استخدامی، حقوق ۲۴ مورد یا ۶/۹٪ از مصوبات را به خود اختصاص داده است.

_ کد برنامه، بودجه، درآمدها و هزینه های دولتی ۵۳ مورد یا ۱۵/۱٪ از مصوبات مجلس هفتم را به خود اختصاص داده است.

__ کد همکاری های بین المللی دوجانبه همکاری های بین المللی دوجانبه بیشترین فراوانی را در مصوبات دو دوره مجلس دارد و ۱۰۵ مورد یا ۳۰ درصد از مصوبات مجلس هفتم اختصاص دارد.

__ کد همکاری های بین المللی چند جانبه ۳۶ مورد یا ۱۰٪ از مصوبات هر دوره را به خود اختصاص داده است.

__ کد امور بخش های مختلف اقتصادی ۳۵ مورد یا ۱۰٪ از مصوبات دوره را به خود اختصاص داده است.

__ کد عمران شهری روستایی محیط زیست ۱۶ مورد یا ۴/۶٪ از مصوبات مجلس هفتم بوده است.

__ مقررات عمومی، مدنی، جزایی ۱۹ مورد یا ۵/۴٪ است.

__ کد مصوبات مربوط به شاخص های توسعه سیاسی ۱۱ مورد یا ۳/۱٪ از مصوبات بوده است. از مجموع این ۱۱ مصوبه (لیست مصوبات ۲) ۴ مورد به قانون انتخابات شوراها و انتخاب شهرداران و ۵ مورد به انتخابات مجلس و ریاست جمهوری، اختصاص دارد و دو مورد دیگر مربوط به قانون هیات منصفه است. در خصوص اصلاح آئین نامه داخلی مجلس و کمیسیون ها مصوبه ای (قانون) نداشته است.

ب: یافته های کیفی

مجلس هفتم به ریاست غلامعلی حداد عادل، در دوره ای شکل گرفت که جناح اصولگرا پس از دوره اصلاحات، اکثریت مجلس را به دست آورد. گفتمان غالب در این مجلس، تمرکز بر ارزش های انقلابی، مقابله با نفوذ غرب و بازتعریف سیاست های فرهنگی و اقتصادی بر اساس اصولگرایی بود. اهم مواضع سیاسی و منازعات این مجلس در موارد زیر بیشتر بروز و ظهور داشت. مجلس هفتم با دولت اصلاح طلب خاتمی در زمینه سیاست های فرهنگی و اقتصادی درگیری و برخورد تقابلی داشت. برای مثال، در سال ۱۳۸۴، مجلس استیضاح عبدالله نوری، وزیر کشور وقت، را به دلیل «تخلف از قانون و حمایت از مطبوعات ضد انقلاب» مطرح کرد. حداد عادل در این زمینه گفت: «دولت باید پاسخگوی اقداماتی باشد که امنیت ملی را به خطر می اندازد» (روزنامه جام جم، شماره ۳۲۱، ۱۵ مرداد ۱۳۸۴). موضوع مورد مناقشه دیگر پرونده هسته ای بود. مجلس هفتم از مواضع سخت گیرانه در قبال برنامه هسته ای ایران حمایت کرد و در تقابل با دولت خاتمی که خواهان مذاکره با غرب بود، ایستادگی می کرد. علی لاریجانی، نماینده مجلس، در نطق علنی خود گفت: «ما تحت هیچ شرایطی از حقوق هسته ای خود کوتاه نمی آییم، حتی اگر به تحریم های بیشتری منجر شود» (مذاکرات مجلس هفتم، جلسه ۱۸۹، ۱۰ دی ۱۳۸۴). منازعه بر سر سیاست های فرهنگی در مجلس هفتم با تصویب قوانین محدود کننده و سخت گیری در صدور مجوز برای مطبوعات و کتاب ها، پی گرفته می شد. در جریان بررسی لایحه «حفظ حریم خصوصی»، احمد توکلی، نماینده مجلس، معتقد بود: «دولت باید از ارزش های انقلابی دفاع کند، نه اینکه به بهانه آزادی، به دشمنان اجازه فعالیت دهد.» (روزنامه رسالت، شماره ۴۵۶، ۲۵ فروردین ۱۳۸۵).

در جلسات متعدد این دوره، موضوع امنیت ملی به کانون مباحث تبدیل شد. نمایندگان در جلسه علنی مجلس به ۱۳۸۳/۷/۲۲ بر ضرورت تقویت بنیه دفاعی کشور در برابر توطئه های دشمن تأکید کردند. طرح تقویت نهادهای امنیتی و انتظامی با حمایت گسترده نمایندگان به تصویب رسید و در توجیه آن، بر ضرورت مقابله با آشوب و ناامنی احتمالی تأکید شد.

موضوع نظارت و کنترل فضای مجازی در جلسات متعددی مورد بحث قرار گرفت و نمایندگان بر لزوم ساماندهی این فضا برای جلوگیری از نفوذ فرهنگی تأکید داشتند. قانون مبارزه با جرائم رایانه‌ای در جلسه ۱۳۸۵/۴/۳۰ با استدلال ضرورت مقابله با جنگ روانی دشمن در فضای سایبری تصویب شد.

موضوع نظارت و کنترل فضای مجازی در جلسات متعددی از جمله در جلسه کمیسیون امنیت ملی مورد بحث قرار گرفت. نمایندگان در جلسه ۱۳۸۴/۹/۱۵ بر لزوم ساماندهی فضای مجازی برای جلوگیری از نفوذ فرهنگی تأکید داشتند.

طرح تقویت نهادهای امنیتی و انتظامی در جلسه ۱۳۸۶/۵/۲ با حمایت گسترده نمایندگان به تصویب رسید. در توجیه این طرح، نمایندگان بر ضرورت مقابله با آشوب و ناامنی احتمالی تأکید کردند. موضوع رابطه با آمریکا نیز در جلسات مجلس هفتم جایگاه ویژه‌ای پیدا کرد. در جلسه فوریتی ۱۳۸۴/۱۰/۲۴، طرح ممنوعیت برقراری روابط سیاسی با آمریکا با استناد جلوگیری از انجام خیانت به آرمان‌های انقلاب تصویب شد. در زمینه فعالیت احزاب و نهادهای مدنی، در جلسات متعددی از جمله در جلسه کمیسیون فرهنگی بر لزوم نظارت بیشتر بر فعالیت این نهادها تأکید شد. نمایندگان در جلسه ۱۳۸۵/۸/۱۰ بر ضرورت همسو بودن فعالیت نهادهای مدنی با ارزش‌های انقلاب اسلامی تصریح کردند.

جدول زیر که مستقیماً از خروجی ماژول نرم‌افزار تحلیل محتوا استخراج شده، توزیع کیفی بحران‌های پنجگانه پای را در مذاکرات نشان می‌دهد. این تحلیل کیفی، توسط داده‌های کمی جدول (۴-۳) که روند کلان مصوبات را نشان می‌دهند نیز پشتیبانی می‌شود.

(جدول شماره ۵): نتایج تحلیل کیفی مذاکرات مجلس هفتم در دستور جلسات مربوط به شاخص‌های توسعه سیاسی

مجلس هفتم		دوره/ فراوانی بحران محوری (پای)
درصد	فراوانی در مصوبات و مذاکرات	
۱۱٪	۶۵	مشارکت
۷٪	۴۲	مشروعیت
۵۵٪	۳۲۷	نفوذ
۲۰٪	۱۲۱	توزیع
۷٪	۴۵	هویت
۱۰۰٪	۶۰۰	جمع

این جدول به وضوح نشان می‌دهد که مجلس هفتم به طور قاطع بر بحران نفوذ (۵۵٪) که مولفه‌ای مربوط به تقویت حاکمیت و کنترل است، (مولفه‌های ثبات امنیتی) متمرکز بوده است. در موارد مربوط به بحران نفوذ کد امنیت_ملی با ۲۸۹ بار تکرار، کد غالب بود. نمونه نقل قول (غلامعلی حداد عادل): «اولویت مجلس، تقویت بنیه دفاعی کشور و

خنثی کردن توطئه‌های دشمن است» قانون مبارزه با جرائم رایانه‌ای با کدهای کنترل_فضای_مجازی و بحران_نفوذ کدگذاری شده با سرعت تصویب و اجرا شد. هم چنین طرح تقویت نهادهای امنیتی که با کد تقویت_حاکمیت و بحران_نفوذ مرتبط شد. با حمایت گسترده تصویب شد.

همچنین، در مجلس هفتم توجه به بحران توزیع (غالباً توزیع منابع اقتصادی) در رتبه بعدی است که می‌تواند نشان از رویکرد توزیع رانت برای حفظ وفاداری‌ها داشته باشد. نمودار (۱) نیز به شکل بصری، این تقابل کلان در اولویت‌های دو دوره را تأیید می‌کند.

بنا بر این می‌توان گفت گفتمان مسلط «اصولگرایی و ثبات امنیتی» بود و مصوبات شاخص نشان از تمرکز بر موضوعاتی چون «ساختار دستگاه‌های حاکمیتی» و «برنامه و بودجه» دارد که با گفتمان امنیت محوری و تقویت نهادهای حاکمیتی همسو است.

بحث و تحلیل یافته‌ها

الف: تحلیل تفسیری، استنباطی یافته‌های مجلس ششم

یافته‌های کمی‌تحقیق، تفاوت فاحشی در استراتژی کنشگران سیاسی دو مجلس را نشان می‌دهد. کنشگران مجلس ششم استراتژی تعمیق و گسترش دموکراتیک را اتخاذ کردند. هم چنین رادیکالیسم تقنینی رویکردی به منظور استفاده از اهرم قانون‌گذاری برای فشار بر نخبگان حاکم و تغییر قوانین بنیادین بود.

آمار نشان می‌دهد مجلس ششم در مقایسه با مجلس هفتم از لحاظ تعداد جلسات و مصوبات فعال‌تر بوده. هم چنین ۳۵۳ درصد از کل مصوبات دو دوره را به خود اختصاص داده و سهم مجلس هفتم ۲۶/۷٪ است. بر اساس داده‌ها کنشگران سیاسی در هر دوره، با اولویت‌دهی به بحران‌های متفاوت، مسیر متفاوتی را برای نظام سیاسی ترسیم کرده‌اند. اولویت تقنینی مجلس ششم، تمرکز بر مسائل توسعه سیاسی بوده است. گفتمان مسلط در مجلس ششم، اصلاح‌طلبی و توسعه سیاسی از پایین بود و پرتکرارترین کد تحلیل محتوا در این دوره مشارکت مردم با ۲۴۷ بار تکرار بوده است. استراتژی کنشگران این مجلس، گسترش‌دهنده و رادیکالیسم تقنینی تعریف شد که هدف آن‌ها استفاده از اهرم قانون‌گذاری برای فشار بر نخبگان حاکم و تعمیق دموکراتیک بود. با وجود این اهتمام گسترده و اختصاص ۱۶۹ دستور جلسه به این حوزه، مجلس ششم تنها موفق به تصویب نهایی ۱۶ مصوبه (۴٪ از مصوبات دوره) شده است و تنها ۸ درصد از دستور جلسات مرتبط با شاخص‌های توسعه سیاسی دوره را به قانون تبدیل کرد. این آمار بالای دستور کار در مقابل آمار پایین مصوبات نهایی در حوزه سیاسی، حاکی از چالش‌ها و موانع جدی در مسیر قانون‌گذاری توسعه‌خواهانه در این دوره است. سهم قابل توجه آیین‌نامه داخلی در دستور کار مجلس ششم، نشان‌دهنده نیاز این مجلس به تغییر ساختارها برای پیشبرد اهداف خود است. (جدول شماره) یافته‌های کیفی نیز نشان می‌دهد مجلس ششم با تمرکز بر «مشارکت» و «مشروعیت» سعی در گشودن فضای سیاسی و حرکت به سمت گذار از پایین داشت.

گفتمان غالب در مجلس ششم، تقابلی و چالش برانگیز بود. این مجلس با اتخاذ استراتژی رادیکالیسم تقنینی، تلاش کرد از طریق قانون‌گذاری، اصول بنیادین نظام سیاسی را به نفع توسعه سیاسی تغییر دهد. با این حال، تلاش‌های این مجلس، به ویژه در لوایح کلیدی و توسعه‌خواهانه، با شکست مواجه شد. شکست مصوبات توسعه‌خواهانه مجلس ششم

را می‌توان در چارچوب نظریه اودانل و اشمیتر تحلیل کرد که بر نقش نهادهای فرادستی در تعیین نتایج فرآیند دموکراتیزاسیون تأکید دارند. این شکست‌ها و نهایتاً استعفای جمعی، تأییدی بر این تحلیل است. شکست مصوبات کلیدی آن نه به دلیل ضعف کنشگران، بلکه به دلیل مقاومت ساختاری نهادهای فراقانونی (مانند شورای نگهبان) با منطق قدرت متفاوت بود. این یافته، نظریه اودانل و اشمیتر در مورد نقش «سخت افزار نهادی» در شکست نخبگان اصلاح طلب مبنی بر نقش نهادهای فرادستی در تعیین نتایج فرآیند دموکراتیزاسیون تأکید دارند را تأیید می‌کند. بر این اساس، گفتمان مجلس ششم با رویکرد «اصلاح طلبی و توسعه سیاسی» با دال‌های مرکزی مانند «مردم»، «حقوق ملت» و «مشارکت» بود. دال‌های شناوری مانند «آزادی» و «عدالت» نیز در این دو گفتمان معنای متضادی و مناقشه برانگیز یافتند. مفصل بندی گفتمان مجلس ششم حول محور «مردم، حقوق، مشارکت، اصلاحات» شکل گرفت. مفهوم گسست نیز برای تحلیل بحران‌های مؤثر بر گفتمان اصلاح طلبان شکست مصوبات در شورای نگهبان بود. چالش‌ها و تقابل‌های پیش رو، مخالفت شورای نگهبان، درگیری با نهادهای قضایی و امنیتی، رد صلاحیت گسترده نامزدها، را می‌توان ذکر کرد.

ب: تحلیل تفسیری، استنباطی یافته‌های مجلس هفتم

آمار نشان می‌دهد تعداد جلسات و مصوبات مجلس هفتم کمتر از مجلس ششم بوده و سهم مجلس هفتم ۲۶/۷٪ از مصوبات (قانون) است. یافته‌های آماری حاکی از کاهش فراوانی نسبی مصوبات و دستور جلسات در حوزه توسعه سیاسی در مقایسه با مجلس ششم و در مقابل، افزایش تمرکز بر قوانین اقتصادی، اجتماعی و سیاست خارجی است که حاکی از تغییر اولویت تقنینی مجلس هفتم است. داده‌های آماری نشان می‌دهد که اولویت تقنینی مجلس هفتم، بیش از آنکه بر توسعه سیاسی متمرکز باشد، بر حوزه بودجه و امور اقتصادی و عمرانی متمرکز بوده است. علیرغم کاهش حجم دستور کار سیاسی نسبت به مجلس ششم، نرخ موفقیت در تبدیل دستور کار سیاسی به قانون افزایش یافته است. این امر می‌تواند نشان‌دهنده آن باشد که موضوعاتی که در دستور کار این مجلس قرار گرفته‌اند، از جنس مسائل کم‌مناقشه‌تر یا همسو با دیدگاه نهادهای نظارتی بوده‌اند و نیازی به تقابل‌های ساختاری برای تصویب نداشته‌اند. در مصوبات مربوط به شاخص‌های توسعه سیاسی که با کد «حقوق شهروندی و مشارکت سیاسی و مجلس» کد گذاری و احصاء شد. از کل ۲۷ مورد مصوبه (۱۰۰٪ کل دو دوره) تعداد ۱۱ مورد یا (۳۰٪ کل دو دوره) به مجلس هفتم آمده است.

تمرکز مجلس هفتم بر مصوبات مربوط به «نفوذ»، به طور مستقیم به توقف و حتی عقب‌گرد در فرآیند گذار دموکراتیک منجر شد.

فراوانی نسبی مصوبات و دستور جلسات در محورهای ۱ و ۲ (توسعه سیاسی) در مقایسه با مجلس ششم و در مقابل، افزایش تمرکز بر قوانین اقتصادی، اجتماعی و سیاست خارجی (مانند طرح‌های هدفمند کردن یارانه‌ها). تحدید نظارت سیاسی عدم پیگیری طرح‌های نظارتی که مستقیماً به مقابله با نهادهای انتصابی منجر شود و تمرکز بر نظارت‌های مالی و اداری درون قوه مجریه دارد. عدم طرح مجدد لوایح جنجالی مجلس ششم (مانند اختیارات رئیس‌جمهور یا اصلاح مطبوعات) سکوت استراتژیک در برابر اصلاحات بنیادین است که خود یک کنش استراتژیک محسوب می‌شود با این شواهد می‌توان گفت کنشگران مجلس هفتم (اصولگرایان)، استراتژی تثبیت و

بازگشت را اتخاذ کردند. هدف آن‌ها، ترمیم شکاف نخبگانی ایجاد شده در دوره قبل و بازگرداندن ثبات نظام با حذف اولویت توسعه سیاسی بود.

با این حال، مجلس هفتم از نظر کارایی، عملکرد بهتری را ثبت کرده است. این مجلس تلاش‌های خود را به تصویب نهایی ۱۱ مصوبه در خصوص توسعه سیاسی منتهی کرد و موفق شد ۱۲ درصد از دستور جلسات مرتبط با شاخص‌های توسعه سیاسی خود را به قانون تبدیل کند. این موفقیت در تصویب قوانین امنیتی - انقباضی که نشان می‌دهد همسویی گفتمان مسلط با نهادهای نظارتی، شرط لازم برای موفقیت تقنینی در این دوره بوده است،

یافته‌های تجربی نشان می‌دهد که گفتمان غالب در مجلس هفتم، همسو و حمایت‌گرانه از ساختار موجود بود. این مجلس با اتخاذ استراتژی تثبیت محافظه کارانه، اولویت را به امنیت ملی و ثبات داد و از تقابل‌های سیاسی رایج پرهیز کرد. تصویب موفقیت‌آمیز قوانین امنیتی - انقباضی و پرهیز از طرح لوایح چالش برانگیز، حاکی از این است که همسویی گفتمان مسلط با نهادهای نظارتی، شرط لازم برای موفقیت تقنینی در این دوره بوده است (نجفی و کریمی، ۱۳۹۹). این امر منجر به کاهش تنش‌های سیاسی و افزایش کارایی ظاهری در حوزه تقنینی شد.

گفتمان مسلط در مجلس هفتم، «اصولگرایی و ثبات امنیتی» با دال‌های مرکزی مانند «امنیت»، «ارزش‌ها» و «مقابله با دشمن» بود. مجلس هفتم با تمرکز قاطع بر «نفوذ»، به بازتعریف فضای سیاسی به نفع ثبات و کنترل حکومتی پرداخت و عملاً نقش یک ضد-گذار را ایفا کرد. سرعت در تصویب قوانین امنیتی - ایدئولوژیک می‌تواند حاکی از هماهنگی کامل این کنشگران با نهادهای نظارتی و امنیتی باشد. پژوهش‌های مشابه نیز به این نتیجه اشاره کرده‌اند، «تقابل گفتمان اصلاحات و اصولگرایی در این برهه، فضای سیاسی ایران را به عرصه‌ای برای کشمکش بر سر تعریف مفاهیم پایه‌ای سیاسی تبدیل کرد (عظیمی و رفیعی، ۱۳۹۸)

گفتمان اصولگرایی در مجلس هفتم به تصویب قوانینی با جهت‌گیری انقباضی - امنیتی مانند «قانون جرائم رایانه‌ای» و «تقویت نهادهای امنیتی» انجامید. بر این اساس، دال مرکزی در مجلس هفتم «امنیت» یا «تهدید نرم» بود. دال‌های شناوری مانند «آزادی» و «عدالت» نیز در این دو گفتمان معنای متضادی یافتند. مفصل‌بندی گفتمان مجلس هفتم حول «امنیت، ارزش‌ها، دشمن، مقاومت» شکل گرفت. مفهوم گسست نیز برای تحلیل بحران‌های مؤثر بر هر گفتمان (مانند شکست مصوبات در شورای نگهبان برای اصلاح‌طلبان به کار رفت. چالش‌ها و تقابل‌های پیش رو را می‌توان تمرکز مجلس هفتم بر تقابل با دولت اصلاح طلب و مواضع سخت‌گیرانه در سیاست خارجی: به‌ویژه در پرونده هسته‌ای و تقابل با دولت که خواهان مذاکره بود که سرانجام تحریم‌هایی را در پی داشت تأکید داشتند. لازم به ذکر است ما در این مقاله به ریشه‌های تقابلی یا امتناع توافق نخبگان که عوامل ساختاری و غیر ساختاری است نمی‌پردازیم بلکه به تحلیل برون داد این تقابل پرداخته ایم. واضح است که عدم توافق نخبگان علت‌هایی مختلف اعم از ساختاری و غیر ساختاری دارد. برای شاهد مثال از جنبه ساختاری می‌توان اشاره کرد برخی محققین معتقدند؛ مصالحه و سازش در فرهنگ سیاسی ایرانیان، بار منفی دارد و شکل نگرستن و ناپایداری مصالحه، ناشی از نگرش‌ها و ارزش‌های متفاوت است (مقصودی و همکار، ۱۳۹۸، ص ۷۶) (مقصودی و همکار، ۱۳۹۷، ص ۴۲). و یا اعتماد سیاسی، احساس قدرت سیاسی، و احساس امنیت سیاسی اصلاح طلبان نسبت به اصولگرایان کمتر است. (ساعی و کریمی، ۱۳۹۱).

نتیجه‌گیری و دلالت‌های پژوهش

نتیجه کلی حاصل از تلفیق این داده‌های کمیو کیفی حاکی از آن است که مجلس ششم بر بحران مشارکت و مشروعیت (مولفه‌های گذار دموکراتیک) و مجلس هفتم بر بحران نفوذ (مولفه‌های ثبات امنیتی) تمرکز داشته‌اند. مقایسه یافته‌های دو مجلس نشان می‌دهد که کنشگران مجلس ششم با استراتژی تهاجمی برای «تغییر قواعد بازی» عمل کردند، اما به دلیل مقاومت نهادهای فرادستی، عمدتاً با شکست مواجه شدند. کنشگران مجلس هفتم با استراتژی محافظه کارانه برای «تثبیت نظام و حذف اولویت توسعه سیاسی» عمل کردند و به دلیل همسویی با نهادهای نظارتی، در اجرای برنامه‌های خود موفق‌تر بودند. شکست مصوبات توسعه‌خواهانه مجلس ششم و موفقیت قوانین امنیتی مجلس هفتم، نقش تعیین‌کننده همسویی یا تقابل با نهادهای فرادستی را به عنوان عاملی کلیدی در تعیین نتایج فرآیند قانون‌گذاری در ایران به وضوح نشان می‌دهد. با کنار هم گذاشتن تحلیل هر دو جدول، یک تصویر متناقض‌نما و بسیار معنادار پدیدار می‌شود

تضاد بین عملکرد قانونی و گفت‌وگوی پارلمانی یافته‌ها نشان می‌داد قوانین حوزه «حقوق شهروندی و مشارکت سیاسی» سهم کمی (حدود ۳-۴٪) داشته و در دوره هفتم کاهش نیز یافته است. هم‌چنین فضای گفت‌وگو و طرح این سنخ مباحث در خود مجلس نیز به شدت کاهش یافته است. این دو داده یکدیگر را تأیید می‌کنند و نشان می‌دهند موضوع توسعه سیاسی در دوره هفتم هم در دستور کار گفت‌وگو و هم در خروجی عملی با افول مواجه شده است. به نظر می‌رسد اولویت ثابت «سیاست خارجی» در مقابل اولویت رو به افول «سیاست داخلی» را می‌توان از آمارها استنباط کرد چرا که آمارها به وضوح نشان می‌داد که همکاری‌های بین‌المللی اولویت اصلی رقبای قانون‌گذاری در هر دو دوره بوده است. شاید تمرکز بر سیاست خارجی، احتمالاً به بهای کم توجهی به مباحث عمیق‌تر سیاست داخلی و توسعه سیاسی تمام شده است. زمانی که بخش عمده‌ای از انرژی مجلس صرف تصویب موافقت‌نامه‌های بین‌المللی می‌شود، طبیعی است که مجال کمتری برای واکاوی مسائل پیچیده‌ای مانند حقوق شهروندی، آزادی مطبوعات و نهادهای مدنی باقی بماند.

در هر صورت یافته‌ها حکایت از یک «چرخش راهبردی» در عملکرد مجلس از دوره ششم به دوره هفتم دارد. در این چرخش، کانون ثقل فعالیت مجلس به طور مشخص از مسائل داخلی و توسعه سیاسی به سمت سیاست خارجی و مدیریت اقتصادی حرکت کرده است.

به بیان ساده‌تر، داده‌ها نشان می‌دهند که مجلس دوره هفتم، در مقایسه با دوره قبل، کمتر یک نهاد برای گفت‌وگو و قانون‌گذاری در حوزه حقوق و آزادی‌های سیاسی داخلی بوده و بیشتر به مرکزی برای تسهیل روابط خارجی و مدیریت امور مالی کشور تبدیل شده است. این تغییر، بازتابی از تغییر اولویت‌های کلان نظام در آن مقطع زمانی است که در کارنامه کمیو کیفی مجلس تجلی یافته است. در کنار این اولویت ثابت، یک تغییر جهت قابل تأمل نیز به چشم می‌خورد. توجه به مسائل مالی و بودجه‌ای کشور در دوره هفتم اوج گرفته و از نظر سهم، رشد محسوسی داشته است. این می‌تواند نشان‌دهنده دغدغه بیشتر نمایندگان دوره هفتم برای مدیریت منابع و هزینه‌های ملی باشد. در نقطه مقابل، قوانین مربوط به حقوق شهروندی و مشارکت سیاسی نه تنها سهم زیادی نداشته‌اند، بلکه در دوره هفتم با کاهش نیز

مواجهه شده‌اند. این می‌تواند بیانگر کمرنگ‌تر بودن این دغدغه‌ها در اولویت‌های فوری قانون‌گذاران در آن مقطع زمانی باشد.

اکنون می‌توان به سؤالات تحقیق اینگونه پاسخ داد:

پاسخ سؤال اصلی این است که کنشگران از طریق گفتمان‌سازی و اولویت‌دهی به بحران‌های خاص و تبدیل آن به برنامه قانونی بر گذار تأثیر گذاشتند. پژوهش حاضر تأیید می‌کند که کنشگران سیاسی مجالس ششم و هفتم دو استراتژی متناقض را در قبال گذار به دموکراسی اتخاذ کردند. مجلس ششم به عنوان عامل پیش‌برنده و رادیکال، با هدف تعمیق دموکراسی از طریق اصلاح ساختارها، عمل کرد که به دلیل ایجاد تقابل شدید، به انسداد سیاسی انجامید. مجلس هفتم به عنوان عامل تثبیت‌کننده، با تغییر اولویت تقنینی به اقتصاد و حفظ ثبات، عملاً مسیر گذار را متوقف ساخت. تفاوت در فراوانی نسبی قوانین مصوب در محورهای چهارگانه توسعه سیاسی، مستقیماً تفاوت استراتژیک کنش نخبگان نشان داد که مجلس ششم، اولویت را به سیاست و آزادی داد و مجلس هفتم، اقتصاد و و ثبات امنیتی را جایگزین آن کرد و در گذار انحراف و ان را به بازگشت به اقتدارگرایی سوق داد.

با توجه به یافته‌ها پاسخ سوال فرعی این است که عامل کلیدی تعیین‌کننده در موفقیت یا شکست کنشگران، ماهیت تعامل آنها با ساختار کلان قدرت و نهادهای فرادست بود. این موفقیت و شکست را نمی‌توان صرفاً به اراده یا استراتژی کنشگران پارلمانی نسبت داد، بلکه حاصل توازن قوای نهادی و میزان همسویی یا تقابل گفتمانی-عملیاتی با نهادهای ناظر و فراقانونی است. دلیل شکست کنشگران مجلس ششم، تقابل ساختاری با نهادهای فرادست قدرتمندی مانند شورای نگهبان و قوه قضائیه بود. این نهادها با تکیه بر مبانی مشروعیتی متفاوت (انتخابی/انتصابی) و با ابزارهای نظارتی و تفسیری (مانند نظارت استصوابی و رد مصوبات)، به عنوان سدهای نهادی عمل کردند. شکست نهایی زمانی رخ داد که استراتژی تقنینی رادیکال مجلس ششم، فاقد هماهنگی و اجماع در سطوح بالای حاکمیت بود. بنابراین، عدم توازن قوا به نفع نهادهای فراقانونی و نبود حمایت نهاد رهبری از پروژه اصلاحات ساختاری، علت اصلی شکست بود.

در مقابل عامل موفقیت کنشگران مجلس هفتم در پیشبرد اهداف، همسویی با نهادهای فرادست و توازن قوای مساعد در تصویب و اجرای قوانین محوری خود (مانند قانون جرائم رایانه‌ای و تقویت نهادهای امنیتی) بود. این موفقیت، ریشه در همسویی کامل گفتمانی و عملیاتی با نهادهای فرادست و سطوح بالای حاکمیت داشت. گفتمان «امنیت محوری» و «ثبات‌گرایی» مجلس هفتم، نه تنها در تقابل با نهادهای مذکور نبود، بلکه تکمیل‌کننده و تقویت‌کننده منطق عملکردی آنها محسوب می‌شد. این همسویی منجر به شکل‌گیری یک اتحاد نهادی شد که در آن، مجلس، نهادهای نظارتی و امنیتی، و نهاد رهبری در راستای یک هدف مشترک (بحران زدایی از «نفوذ» و تثبیت حاکمیت) عمل می‌کردند. در این حالت، توازن قوا به طور کامل به نفع نخبگان حاکم تغییر یافته بود و مسیر تقنینی هموار شد.

دلالت های پژوهش:

پژوهش به این نتیجه رسیده است که گذار به دموکراسی در ایران یک فرآیند خطی و یک طرفه نیست، بلکه نتیجه یک دیالکتیک پیچیده و مداوم بین گفتمان های رقیب نخبگان در درون نهادهای حکومتی است. مجلس به عنوان یک نهاد، نه تعیین کننده اصلی، بلکه عرضه کننده گفتمان های بدیل است.

دلالت های عملی:

نتیجه نهایی تقابل در مناسبات قدرت، در میدان وسیع تر سیاست و با دخالت تعیین کننده نهادهای دیگر (مانند نهاد رهبری، قوه قضائیه و نهادهای امنیتی) تعیین می شود. دوره ششم گفتمان «مردم محوری» را عرضه کرد اما در میدان قدرت شکست خورد. دوره هفتم گفتمان «امنیت محوری» را عرضه کرد و به دلیل همسویی با دیگر نهادهای مسلط، در اجرا موفق بود. بنابر این می توان با توجه به نظریه گذار بیان کرد گذار دموکراتیک به شیوه مسالمت آمیز در ایران مستلزم تصمیم و تفاهم بین نخبگان گفتمان های رقیب در سطح بالای قدرت است که مستلزم مطالعه امکان سنجی و چگونگی تعامل در این شیوه گذار است. همچنین گذار از پایین و با توسل به نهادهای مدنی به دلیل نبود نظام حزبی نهادمند، کنش معطوف به نتیجه مطلوب در نهاد قانون گذاری را در پی نخواهد داشت و سرانجام با محدودیت های ساختاری متوقف و باعث سرخوردگی اجتماعی خواهد شد. شکست گفتمان توسعه خواه در مجلس ششم و موفقیت گفتمان امنیت محور در مجلس هفتم، نقش تعیین کننده نهادهای فراقانونی و توازن قوای نهادی را در فرآیند دموکراتیزاسیون در ایران آشکار می سازد. برای پیشبرد روند دموکراتیزاسیون در ایران، ضروری است کنشگران سیاسی به درک واقع بینانه ای از توازن قوای نهادی دست یابند و استراتژی های هوشمندانه تری برای تعامل با نهادهای مختلف حکومتی تدوین کنند.

دلالت های نظری:

یافته ها، تاکید واضحی مبتنی بر نظریه گذار و اهمیت پارلمان در نظام های ترکیبی (انتخابی و انتصابی) دارند. مجلس محوری ترین محل برای کنش نخبگان و تعیین مسیر گذار است. شکست مجالس ششم و هفتم در شکل دهی پیمان دموکراتیک نشان می دهد که بدون دستیابی به اجماع حداقلی نخبگانی بر سر قواعد عمل سیاسی (مانند محدوده آزادی ها و اختیارات نظارتی)، گذار به دموکراسی محکوم به بازگشت () یا تثبیت اقتدارگرایانه خواهد بود.

پیشنهادهای:

پیشنهاد نظری: برای تحلیل دقیق تر، تلفیق نظریه نخبگان با نظریه نهادگرایی تاریخی ضروری است تا نقش مسیر وابستگی و «میراث نهادی» در محدود کردن دست کنشگران بهتر درک شود. همچنین، تلفیق نظریه نخبگان با نهادگرایی تاریخی می تواند چارچوب تحلیلی کامل تری برای درک پویایی های سیاسی ایران فراهم آورد

پیشنهاد عملی: کنشگران اصلاح طلب برای موفقیت، نیاز به تدوین استراتژی های هوشمندانه تری برای جلب حمایت یا خنثی سازی نهادهای کلیدی دارند. تمرکز صرف بر گفتمان سازی در مجلس، بدون در نظر گیری بازیگران دیگر، محکوم به تکرار شکست های گذشته است.

تطبیق استراتژی‌های متضاد کنشگران مجالس ششم و هفتم نشان می‌دهد که فرایند گذار در آن مقطع به دلیل تضاد آشتی‌ناپذیر نخبگانی در مرحله گذار متوقف مانده است. مجلس ششم با هدف تغییر رادیکال قواعد بازی تلاش کرد (استراتژی گسترش‌دهنده)، اما به دلیل عدم همراهی نخبگان حاکم (استراتژی بازدارنده) شکست و انسداد ایجاد شد. مجلس هفتم با هدف تثبیت قواعد بازی موجود و جلب رضایت نخبگان حاکم تلاش کرد (استراتژی محدودکننده)، که عملاً به توقف کامل گذار و بازگشت به الگوهای محافظه کارانه انجامید. نتیجه این کنش‌های متضاد، شکست در شکل‌گیری یک اجماع حداقلی نخبگانی برای پذیرش قواعد دموکراتیک بود.

منابع

الف: منابع فارسی

۱. اخوان کاظمی، بهرام. (۱۳۹۱). نقد و تحلیلی بر علل ظهور و افول گفتمان اصلاح طلبی (۱۳۷۶-۱۳۸۴) با تاکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری. رهیافت انقلاب اسلامی، (۲۱)، ۳-۲۶.
۲. آخرالدینی مهری و موسی نژاد محمد جواد. (۱۴۰۱). مجلس دوره ششم، مجلس تنش و تحسن. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۳. بشیریه، حسین. (۱۳۸۲). موانع توسعه سیاسی در ایران. تهران: نشر گام نو.
۴. بشیریه، حسین. (۱۳۸۷). گذار به دموکراسی. تهران: نشر معاصر، چاپ سوم.
۵. بشیریه، حسین. (۱۳۸۷). تحلیل گفتمان اصولگرایی در مجلس هفتم. در جمهوری اسلامی ایران: گذارها و چالش‌ها (صص ۱۲۳-۱۵۰). تهران: نگاه معاصر.
۶. پورقوشچی، محمدرضا. مقصودی، مجتبی. (۱۳۹۷). امکان یا امتناع مصالحه در گفتمان سیاسی جمهوری اسلامی. فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۱۴ (۵۳)، زمستان.
۷. پورقوشچی، محمدرضا. مقصودی، مجتبی. (۱۳۹۸). تحلیل الگو و سازوکارهای مصالحه در ایران پس از انقلاب اسلامی (گذار از خصومت به رقابت). جستارهای سیاسی معاصر، ۱۰ (۲)، تابستان.
۸. حقیقی، علی محمد. کولیایی، حدیثه. (۱۳۹۶). بررسی تحولات دوره ششم و هفتم مجلس شورای اسلامی. پژوهش ملل، (۲۰)، مرداد.
۹. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال. (۱۳۸۷). مقایسه کارکردهای مجلس ششم و هفتم در عرصه سیاست خارجی. فصلنامه سیاست خارجی، ۲۲ (۲).
۱۰. ربانی خوراسگانی، علی و میرزایی محمد (۱۳۹۴). تحلیل تقابل گفتمانی اصولگرایی و اصلاح طلبی در دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۶ شماره پیاپی (۶۰) شماره چهارم زمستان ۱۳۹۴.
۱۱. رمضان، قاسم. صلاح، مهدی. کهرازه، یاسر. (۱۴۰۰). عملکرد جریان‌های سیاسی مجلس شورای اسلامی در دوره ششم و هفتم قانون‌گذاری با تکیه بر منافع ملی. جامعه‌شناسی سیاسی ایران، (۱۳)، ۴۸۵-۵۰۲.
۱۲. روزنامه جام جم، ۱۵ مرداد ۱۳۸۴.

۱۳. روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، مشروح مذاکرات مجلس. <https://rrk.ir/ords/r/rrs/rrs-front/ghavanin-moghararat>
۱۴. روزنامه رسالت، ۲۵ فروردین ۱۳۸۵.
۱۵. روزنامه شرق، ۲۲ خرداد ۱۳۸۱.
۱۶. روزنامه نوروز، ۵ اسفند ۱۳۸۱.
۱۷. زارعی، ایرج. (۱۳۹۶) جایگاه توسعه سیاسی در قوانین مصوب دوره های ششم و هفتم مجلس شورای اسلامی. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.
۱۸. ساعی، علی. (۱۳۹۷). دموکراتیزاسیون در ایران. تهران: جامعه شناسان.
۱۹. سامانه اطلاع رسانی کتابخانه مجلس <http://www.ical.ir>
۲۰. سامانه قوانین و مقررات کشور به نشانی https://rc.majlis.ir/fa/content/law_cd
۲۱. سریع القلم، محمود. (۱۳۸۹). تحولات سیاسی-اجتماعی ایران پس از انقلاب (چاپ دوم). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۲. صاحب نیوز، ۱۳۹۴. نگاهی تاریخی به دوره هفتم و هشتم مجلس شورای اسلامی
23. <https://sahebnews.ir/۳۹۵۶۶۰>
۲۴. صورت مذاکرات مجلس ششم، جلسه ۲۱۵، ۱۲ آذر ۱۳۸۰.
۲۵. صورت مذاکرات مجلس هفتم، جلسه ۱۸۹، ۱۰ دی ۱۳۸۴.
۲۶. عظیمی، دولت آبادی. (۱۳۸۷). منازعات نخبگان سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۷. قاضی، ابوالفضل. (۱۳۶۸). حقوق اساسی و نهادهای سیاسی. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۲۸. قاضی مرادی، حسن. (۱۴۰۰). گذارها به دموکراسی. تهران: اختران، چاپ دوم.
۲۹. گالبرایت، جان کنت. (۱۳۶۶). کالبدشناسی قدرت. (احمد شهسا، مترجم). تهران: احمد شهسا.
۳۰. محمدی، معصومه، مجتبی مقصودی، و محمد، توحیدفام. (۱۴۰۳). توسعه سیاسی در ایران بعد از انقلاب اسلامی در پرتو دوگفتن ایران- اسلامی و مدرن. پژوهشنامه علوم سیاسی، ۱۹ (۷۶)، آذر ۱۴۰۳. صص ۱۵۰-۱۲۱
۳۱. میرابراهیم، صدیق، احمد، حبیبی، و گارینه، کشیشیان سیرکی. (۱۳۹۸). مقایسه تطبیقی دال های گفتمان اصلاح طلبی و اصولگرایی در مجلس ششم و هفتم. ماهنامه جامعه شناسی سیاسی ایران، ۲ (۶)، ۲۱۸-۲۴۵.
1. Huntington, Samuel P. (۱۹۹۱). The Third Wave: Democratization in the Late Twentieth Century. University of Oklahoma Press.
2. Hunter Shireen Reformist Voices of Islam: Islamic Reformist Discourse in Iran
3. Proponents and Prospects. Edition ۱st Edition. First Published ۲۰۰۹
4. Imprint Routledge
5. Kevan Harris. THE RISE OF THE SUBCONTRACTOR STATE: POLITICS OF PSEUDO-PRIVATIZATION IN THE ISLAMIC REPUBLIC OF IRAN.

International Journal of Middle East Studies , Volume ۴۵ , Issue ۱ , February ۲۰۱۳ , pp. ۴۵ - ۷۰

6. Laclau, E ., & Mouffe, C .(۱۹۸۵) . Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Democratic Politics . Verso .
7. O'Donnell, G ., & Schmitter, P .C .(۱۹۸۶) . Transitions from Authoritarian Rule: Tentative Conclusions about Uncertain Democracies . Johns Hopkins University Press .
8. Pye, L . W .(۱۹۶۶) . Aspects of Political Development . Little, Brown and Company .
9. Randjbar-Daemi, Siavush .(۲۰۱۸) . Iran's Parliaments and the Politics of Incremental Change .
10. Saei; z. karimi Analyzing Political culture of the Conservatives and Reformists elites in Iran. Jsi. Volume ۱۳, Issue ۴, Autumn . ۲۰۱۳. Pages ۱۱۷-۱۴۷

جدول ها و نمودارها

(جدول شماره ۱): آمار تعداد جلسات، تعداد مصوبات و تعداد دستور جلسات مربوط به شاخص های توسعه سیاسی به تفکیک مجلس دوره ششم و مجلس دوره هفتم

نسبت مصوبات توسعه سیاسی به مصوبات هر دوره	نسبت مصوبات توسعه سیاسی به مجموع مصوبات دو دوره	مجموع دستور جلسات مربوط به توسعه سیاسی	مجموع تعداد مصوبات	مجموع تعداد جلسات	نوع آمار	یافته دوره آماري مجلس
4%	17	169	400	433	تعداد/فراوانی	مجلس دوره ششم
	61%	64%	53%	50%	درصدنسبت به مجموع دو دوره	
3%	11	95	350	427	تعداد/فراوانی	مجلس دوره هفتم
	39%	36%	47%	50%	درصدنسبت به مجموع دو دوره	
4%	28	264	750	860	تعداد/فراوانی	جمع دو دوره

(جدول شماره ۲): جدول کد بندی قوانین مصوب احصاء شده در کد های دهگانه به تفکیک مجلس دوره ششم و هفتم

دوره هفتم			دوره ششم			دوره/تعداد	کدهای کلی قوانین مصوب	ردیف
درصد مصوبات دوره هفتم به مصوبات دو دوره	درصدنسبت به کل مصوبات دوره	تعداد مصوبه در دوره هفتم	درصد مصوبات دوره ششم به مصوبات دو دوره	درصد نسبت به کل مصوبات دوره	تعداد مصوبه در دوره ششم			
3.3%	7.1%	25	3.5%	7%	26	ساختار دستگاههای حاکمیتی و تقسیمات		1

کشوری							
2	رفاه عمومی تامین اجتماعی و بهداشت و درمان	24	6%	3.2%	26	7.4%	3.5%
3	اداری و استخدامی و حقوق	41	10%	5.5%	24	6.9%	3.2%
4	برنامه ها، بودجه و درآمدها و هزینه های حاکمیت	46	12%	6.1%	53	15.1%	7.1%
5	همکاری های بین المللی دو جانبه	139	35%	18.5%	105	30.0%	14.0%
6	همکاری های بین المللی چند جانبه	40	10%	5.3%	36	10.3%	4.8%
7	امور بخش های مختلف اقتصادی	37	9%	4.9%	35	10.0%	4.7%
8	عمران شهری و روستایی و محیط زیست	10	3%	1.3%	16	4.6%	2.1%
9	مقررات عمومی و مدنی و جزایی	21	5%	2.8%	19	5.4%	2.5%
10	حقوق شهروندی و مشارکت سیاسی و مجلس	16	4.0%	2.1%	11	3.1%	1.5%
11	جمع قوانین مصوب دوره	400	100%	53%	350	100%	47%

(جدول شماره ۳): جدول کد بندی دستور جلسات مرتبط با شاخص های توسعه سیاسی و مصوبات آن در دوره ششم و هفتم مجلس شورای اسلامی

موضوع	تعداد در دوره هفتم	تعداد در دوره ششم	جمع تعداد دو دوره	درصد نسبت به دوره هفتم	درصد نسبت به دوره ششم	درصد دوره	درصد دوره ششم به کل دو دوره
دستور جلسات: آیین نامه داخلی	۱۷	۴۷	۶۴	۱۸٪	۲۸٪	۶٪	۱۸٪
دستور جلسات: انتخابات و شوراها	۴۶	۴۳	۸۹	۴۸٪	۲۵٪	۱۷٪	۱۶٪
دستور جلسات: مطبوعات صدا و سیما و فضای مجازی	۹	۲۷	۳۶	۹٪	۱۶٪	۳٪	۱۰٪
دستور جلسات: سایر موضوعات سیاسی	۲۳	۵۲	۷۵	۲۴٪	۳۱٪	۹٪	۲۰٪
کل دستور جلسات مربوط به توسعه سیاسی	۹۵	۱۶۹	۲۶۴	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۳۶٪	۶۴٪
کل مصوبات: مرتبط به شاخص های توسعه سیاسی	۱۱	۱۶	۲۷	۱۲٪	۹٪	۴٪	۶٪

(جدول شماره ۴): نتایج تحلیل کیفی مذاکرات مجلس ششم در دستور جلسات مربوط به شاخص های توسعه سیاسی

دوره/ فراوانی	مجلس ششم	
	فراوانی در مصوبات و مذاکرات	درصد
بهران محوری (پای)		
مشارکت	۲۴۷	۴۲٪
مشروعیت	۱۲۸	۲۲٪

نفوذ	۹۵	۱۶٪
توزیع	۸۹	۱۵٪
هویت	۳۱	۵٪
جمع	۵۹۰	۱۰۰٪

(جدول شماره ۵): نتایج تحلیل کیفی مذاکرات مجلس هفتم در دستور جلسات مربوط به شاخص های توسعه سیاسی

مجلس هفتم		دوره/ فراوانی بحران محوری (پای)
درصد	فراوانی در مصوبات و مذاکرات	
۱۱٪	۶۵	مشارکت
۷٪	۴۲	مشروعیت
۵۵٪	۳۲۷	نفوذ
۲۰٪	۱۲۱	توزیع
۷٪	۴۵	هویت
۱۰۰٪	۶۰۰	جمع

(فهرست شماره ۱): مصوبات مربوط به شاخص های توسعه سیاسی در مجلس ششم

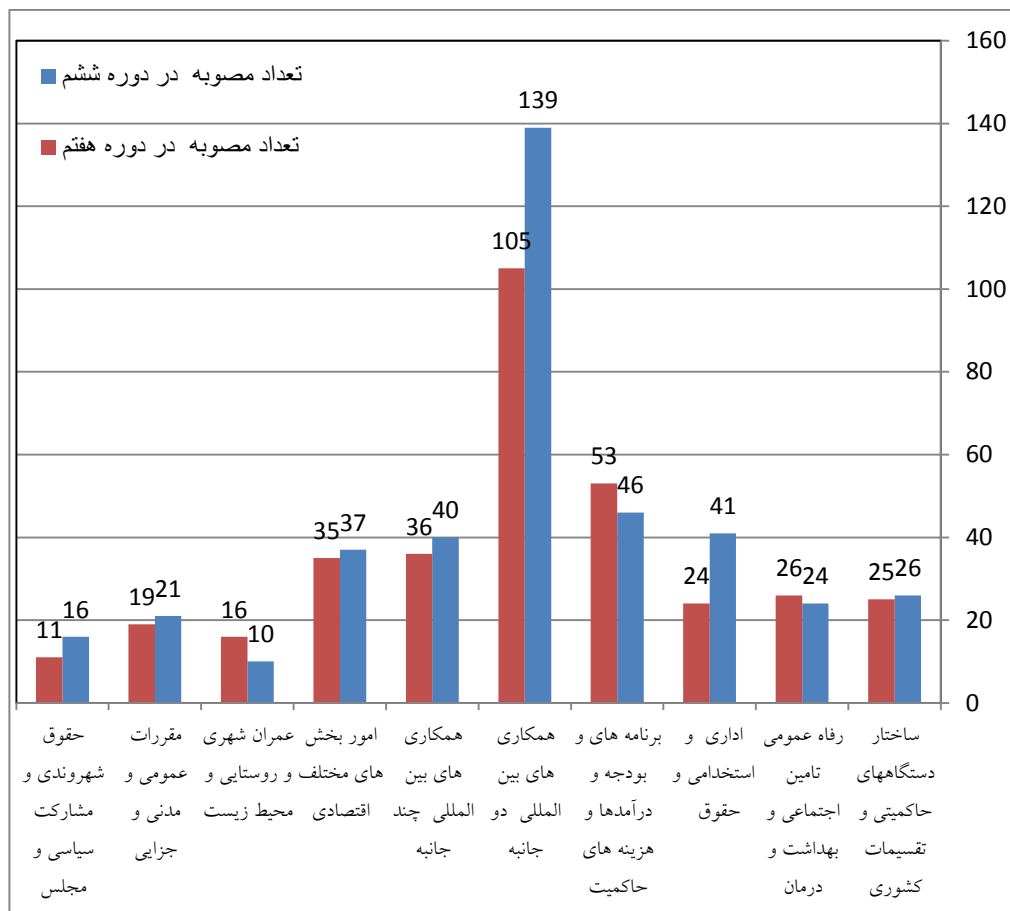
ردیف	تاریخ تصویب	عنوان مصوبه
۱	۱۳۷۹/۴/۸	قانون اصلاح عناوین کمیسیون های تخصصی مذکور در قوانین
۲	۱۳۷۹/۵/۳۰	قانون حضور نمایندگان نامزدهای ریاست جمهوری در شعب اخذ رای
۳	۱۳۷۹/۸/۲۵	قانون اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی و اصلاح قانون تغییر عنوان اعضای شوراهای اسلامی روستاهایی که به شهر تبدیل شده اند
۴	۱۳۷۹/۹/۲۰	قانون اصلاح ماده (۲۱۳) آئین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی
۵	۱۳۸۰/۳/۹	قانون استفساریه مواد (۱۱) و (۱۳) قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی و ماده (۱۹) قانون انتخابات ریاست جمهوری
۶	۱۳۸۰/۳/۲۷	قانون اصلاح ماده (۵۸) آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی
۷	۱۳۸۲/۲/۱۵	قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی
۸	۱۳۸۲/۳/۶	قانون استفساریه ماده (۷۱) قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵
۹	۱۳۸۲/۳/۲۵	قانون الحاق یک ماده به آئین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی
۱۰	۱۳۸۲/۵/۵	(۲) و (۷) قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و (۱) قانون اصلاح مواد (۱) انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵
۱۱	۱۳۸۲/۷/۶	قانون اصلاح قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵
۱۲	۱۳۸۲/۱۰/۲۴	قانون اصلاح موادی از آئین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی
۱۳	۱۳۸۲/۱۰/۲۴	قانون تغییر حوزه انتخابیه داوطلبان نمایندگی مجلس شورای اسلامی
۱۴	۱۳۸۲/۱۲/۲۴	قانون هیأت منصفه
۱۵	۱۳۸۳/۷/۲	قانون الحاق یک تبصره به ماده (۹) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی
۱۶	۱۳۸۳/۲/۱۵	قانون استفساریه ماده (۶) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی

(فهرست شماره ۲): مصوبات مربوط به شاخص های توسعه سیاسی در مجلس هفتم

ردیف	تاریخ تصویب	عنوان مصوبه
۱	۱۴۰۱/۲/۲۷	قانون اصلاح تبصره (۲) ماده (۷۱) قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران

	۱۳۸۳	
قانون فعال نمودن هیأت منصفه مطبوعات برای جلوگیری از تعطیلی اصل یکصد و شصت و هشتم (۱۶۸) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران)	۱۳۸۴/۹/۵	۲
قانون استفساریه ماده (۲۸) قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵ و اصلاحات بعدی آن	۱۳۸۴ ۱۰/۲۵	۳
قانون اصلاح قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران	۱۳۸۵/۴/۵	۴
قانون تمدید قانون فعال نمودن هیأت منصفه مطبوعات برای جلوگیری از تعطیلی اصل یکصد و شصت و هشتم (۱۶۸) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران	۱۳۸۵/۴/۵	۵
قانون اصلاح بند (۲) ماده (۲۷) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی و بند (۲) ماده (۳۶) قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران	۱۳۸۵ ۱۰/۱۲	۶
قانون اصلاح بند (۴) و تبصره (۲) ماده (۲۸) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۸/۱۰	۱۳۸۵ ۱۰/۱۳	۷
قانون اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی	۱۳۸۶/۱/۲۶	۸
قانون تجمیع انتخابات دوره پنجم شوراهای اسلامی با دوره یازدهم ریاست جمهوری	۱۳۸۶/۳/۱	۹
قانون اصلاح موادی از قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵ و اصلاحات بعدی آن	۱۳۸۶/۷/۲۷	۱۰
قانون الحاق یک تبصره به ماده (۵۷) و اصلاح ماده (۱۹) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۸ و اصلاحات بعدی	۱۳۸۶/۱۲/۱	۱۱

(نمودار شماره ۱): تعداد مصوبات مجلس ششم و هفتم به تفکیک کدهای اختصاص یافته موضوعی



Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran.
Scientific–Research Quarterly Journal of Social Sciences, Islamic Azad University, Shushtar Branch
Volume 19, Issue 4 (Serial No. 5), Winter 2026
Received: 20 December 2025 | Accepted: 1 January 2026
pp. 33–63

Sociological Analysis of Political Elite Agency in the Sixth and Seventh Parliaments of Iran and Its Impact on Democratization (1999-2007)
Iraj Zarei¹; Seyed Mostafa Abtahi^{*2}; Majid Tavasoli Rokn Abadi³

1. PhD Student in Political Sociology, Department of Political Science and International Relations, Faculty of Political Science and International Relations, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran.

2. Member of the Department of Political Science and International Relations, Faculty of Political Science and International Relations, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran.

3. Member of the Department of Political Science and International Relations, Faculty of Political Science and International Relations,

Abstract:

Analyzing the agency of elites within the legislative body is a crucial part of the process of the fourth wave of democratization (initiated in ۱۹۹۷) in Iran. This research, utilizing a combined historical-analytical method and relying on theories of 'political development' and 'Lucian Pye's Five Crises', and employing MAXQDA software, has qualitatively analyzed relevant parliamentary debates.

Actors in the Sixth Parliament, with a discourse of 'political development and reform' and a focus on the crises of legitimacy and participation, pursued legislation such as the 'Accession to the CEDAW Convention' and the 'Amendment of the Press Law', which were largely halted by oversight institutions. In contrast, actors in the Seventh Parliament, with a discourse of 'Principlism and security stability' and a focus on the crisis of penetration, passed laws such as 'Strengthening Security Institutions' and 'Restricting the Activities of Political Parties'. The result of the confrontation between the hegemonic discourses of the two parliaments transformed the transition to democracy in this period into a dialectical and non-linear process and ultimately stalled it. Consensus among elites of rival discourses at the highest levels of power remains a necessary condition for a peaceful democratic transition in Iran. A society-centric transition is unlikely to succeed due to structural obstacles to the organization of civil society forces. A disorganized society-centric transition justifies the creation of a confrontational space, leading to the mobilization of the entrenched capacity of forces obstructing the transition and the consolidation of ideological elites.

Keywords: Political Development, Sixth Parliament, Seventh Parliament, Political Actors, Transition to Democracy, Democratic Transition, Content Analysis.

* Corresponding author: m-abtahi@srbiau.ac.ir